

## چکیده:

از جمله آسیبهای اجتماعی جامعه جوان ما پدیده شوم و ناهنجار دختران فراری می باشد، پدیده شومی که بنا به آمار و ارقام اعلام شده نه تنها رو به کاهش نیست بلکه با اشکال پیچیده و گوناگون در سطح جامعه گسترش پیدا کرده و اینک به صورت معضلی جدی در برابر مردم و مسئولان فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته؛ و به عنوان یک تهدید جدی برای کانون گرم خانواده مطرح و عامل افزایش ناهنجاریهای اجتماعی بویژه در شهر ها شناخته شده است. از جمله آسیبهای اجتماعی جامعه جوان ما پدیده شوم و ناهنجار دختران فراری می باشد، پدیده شومی که بنا به آمار و ارقام اعلام شده نه تنها رو به کاهش نیست بلکه با اشکال پیچیده و گوناگون در سطح جامعه گسترش پیدا کرده و اینک به صورت معضلی جدی در برابر مردم و مسئولان فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته؛ و به عنوان یک تهدید جدی برای کانون گرم خانواده مطرح و عامل افزایش ناهنجاریهای اجتماعی بویژه در شهر ها شناخته شده است. دختران فراری رفتار خود را نوعی اعتراض دانسته و خود را قربانی روابط ناسالم در خانواده و فراموش شده در جامعه می دانند تحقیقات جامعه شناسان پیرامون چگونگی کارکرد خانواده ها نشان می دهد که علت اصلی فرار راباید در رابطه خانواده ها باین پدیده جستجو کرد. بدون شک هیچ یک از آسیبهای اجتماعی نیست که خارج از تاثیر خانواده پدید آمده باشد و هیچ جامعه ای نمی تواند ادعای سلامت کند، چنانچه از خانواده های سالم برخوردار نباشد. در دهه های اخیر با گسترش ارتباطات جمعی مانند ماهواره و رشد سریع دختران دانشگاهی و اشتغال زنان، خروج از خانه و حتی زندگی مستقل برای ایشان را تسهیل کرده است. بنابراین متوجه می شویم که برای پرداختن به فرار زنان و دختران از خانه باید به این جنبه که گاهی می توان آن را به نوعی فرار از خانه به گونه ای قانونی و شرعی تلقی کرد نیز توجه شود بنا براین موضوع این یادداشت عموماً جنبه های غیر قانونی و غیر شرعی خروج از خانه می باشد. تجربیات محقق در مدت خدمت در نیروی انتظامی که بنوعی بخشی از اقدامات رسیدگی به

پرونده های دختران فراری در حیطه وظایف آن می باشد حاکی از آن است که حدود ۸۰ درصد دختران فراری به خانواده های نابسامان تعلق داشته و عواملی مانند اعتیاد، به زندان رفتن، طلاق، مرگ و ازدواج مجدد والدین در فرار این دختران نقش داشته است. در ارتباط با رفتار والدین نیز تقریباً در بیشتر موارد دختران سختگیری و تنبیه های سخت و عدم آرامش را بعنوان یکی از علل فرار ذکر کرده اند. که در این مقاله به تاثیر نقش خانواده و عوامل زمینه ساز آن در فرار دختران از منزل خواهیم پرداخت.

### واژهای کلیدی :

آسیبهای اجتماعی، خانواده، دختران فراری، فرار از خانه،

خوشونت والدین، فقر، طلاق

## مقدمه:

فرار از خانه از جمله رفتارهای ناسازگارانه ای است که بیشتر از نوجوانان و جوانان سر می زند. با توجه به پی آمدهای سوء آن یکی از آسیب های خانوادگی و اجتماعی جامعه شناخته می شود. آسیبی که می تواند بهداشت روانی فرد و جامعه را تحت تاثیر قرار دهد. مسئله فرار زنان و دختران همراه با سایر معضلات و آسیبهای اجتماعی مرتبط با آن در سال های اخیر با رشد روزافزون در شهرهای بزرگ بالاخص شهر تهران مورد توجه کارشناسان متخصصان علوم انسانی قرار گرفته است. فرار از خانه در واقع زیرپا گذاشتن مقررات خانوادگی و هنجارهای اجتماعی است که اغلب به علت ترس، خشم، یا انتقام جویی در مقابل عوامل مخرب و آشفته خانوادگی و اجتماعی رخ می دهد. دختران بیشتر برای مدت کوتاهی حضور در مکانهای دیگر را به جای ماندن در خانه خود ترجیح می دهند .

معنی اعم آن و فرار زنان و دختران بطور اخص یکی از مصادیق مهم آسیب های اجتماعی می باشد که پرداختن به آن نیازمند توجه به سایر آسیبهای اجتماعی است . «آسیب های اجتماعی که بسیاری از آن به عنوان مشکلات اجتماعی یاد می کنند دارای ویژگی های متعددی می باشد از یک طرف در سنین مختلف و در تمام مشاغل و در هر دو جنس زن و مرد مطرح است و از طرف دیگر ، حضور در تمامی مکانها ، گسترش روز افزون و تنوع موضوعیت آن به گونه ای است که در هر جامعه متناسب با شرایط خاص فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی عوامل مختلفی در بروز ، شیوع و تنوع آن نقش اساسی داشته که شناخت این عوامل خصوصا عوامل زمینه ساز آن می تواند در ارائه برنامه و راهکار های پیشگیری موفق نقش سازنده ای داشته باشد» (معمدی ، ۱۳۸۲ ص ۲۰) در بسیاری از کشورهای جهان خروج از خانه دختران حتی در سنین پائین قابل پذیرش است ولی در برخی کشورها از جمله کشور ما دختر تازمانی که ازدواج نکرده است حتی اگر در سنین بالانیز باشد اجازه زندگی مستقل را پیدا نمی کند

هرچند که در دهه اخیر گسترش ارتباطات جمعی مانند ماهواره و رشد سریع دختران دانشگاهی و اشتغال زنان، خروج از خانه و حتی زندگی مستقل برای ایشان را تسهیل کرده است. بنابراین متوجه می شویم که برای پرداختن به فرار زنان و دختران از خانه باید به این جنبه که گاهی می توان آن را به نوعی فرار از خانه به گونه ای قانونی و شرعی تلقی کرد نیز توجه شود. بر اساس تعریف ارائه شده؛ «زنان و دختران فراری به افرادی اطلاق می شوند که به دلایلی مانند متشنج بودن محیط خانواده در خانواده های نابسامان و تکرار عمل همسر آزاری و کودک آزاری، اغفال توسط افراد دیگر، ایجاد رابطه جنسی نامشروع، پایبند نبودن به ارزشهای اخلاقی و اجتماعی و یا وجود سایر مشکلات و سبب های اجتماعی مانند فقر، عدم وجود سرپرست یا بد سرپرست بودن (پدر معتاد، مادر روسپی و...) و یا بطور مستقل و برای یافتن زندگی بهتر از خانه فرار می کنند و یا طرد می شوند» (معتمدی، ۱۳۸۲ ص ۲۲) برآستی علل و انگیزه های فرار دختران از خانه چیست؟ چه عواملی دست به دست هم داده و منجر به گریختن دختران از خانه و خانواده شده اند؟ آیا رفتار خانواده ها با دختران جوان، نقشی در فرار آنان از خانه داشته است؟

« فرار کودکان از منزل، به عنوان مکانیسمی دفاعی با واکنش جبرانی و رهایی بخش مطرح است که کودک به خاطر رهایی از رنج و آلام درون منزل خود به خیابان پناه می برد که » کارن هورنای « آن را نوعی تضاد درونی فردی می داند. « سو» نیز بر شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت و یافتن اوقات فراغت بیشتر تاکید دارد. « هاروکس »، رشد انحراف را در سختگیری های بی جا و غیر منطقی بزرگسالان و « لوثلاکول »، میل به رهایی از قیود خانواده و « زائد و شستم » هم تمایل به فرار از زیر فشارهای خانوادگی و اجتماعی را جست و جو می کند. پژوهش های مرتبط با موضوع نیز بر سوء رفتار والدین، نوع رابطه با پدر، اختلاف شدید با خانواده و درگیری بین اعضا، نابسامانی خانواده، طلاق، متارکه، وجود ناپدری و

مادری، فقر فرهنگی، بی سوادی و اعتیاد به عنوان عوامل برانگیزاننده نیل به فرار تاکید داشته اند « (صمدی راد، ۱۳۸۱ ص ۴۵)

تحقیقات تاکنون نشان نداده که دختری با ژن مستعد کننده فرار متولد شده باشد بنابراین با اقدامات مناسب در سطوح اولیه و ثانویه، قبل و بعد از تولد قابل پیشگیری می باشند. این موضوع از آنرو مهم تلقی می شود که فراگیری و گستره آسیب های اجتماعی گروه های تخصصی را در می نوردد و همچون موجود سیال در میان

افراد مختلف جامعه به حرکت در می آید. چنانچه این مشکلات در مراحل ابتدائی کنترل و حل شود هزینه های آن کمتر خواهد بود در غیر اینصورت برای مقابله با این چالش ها بایست هزینه های گزافی را پرداخت کنیم. لذا برای بررسی اهمیت موضوع فرار دختران از خانه در این مقاله به انواع فرار، رویکردها و دیدگاه های جامعه شناسی، عوامل فرار، پیامدهای فرار و غیره بطور مختصر اشاره خواهد شد.

## الف- بیان مسئله

دختران فراری کسانی هستند که به دلایل مختلف و در اثر فشارهای ناشی از شرایط سخت زندگی، غالباً علی رغم میل باطنی اقدام به ترک خانه و کاشانه خود کرده و از کانون خانواده جدا می شوند و عموماً در شهری دیگر بدون داشتن مأمنی مناسب و خانه ای دائمی ساکن می شوند. این گروه دختران عموماً به دلایلی نظیر فقر، خشونت، محدودیت های غیر منطقی، آزار دیدگی، رها شدن از سوی اطرافیان بخصوص خانواده و... روی به خیابان ها می آورند و اکثریت آن ها به تدریج مبدل به زنان خیابانی می شوند که راهی تاریک در پیش رو دارند. دختران فراری غالباً برای زندگی و امرار معاش به کارهای ناپسند و نامشروع روی می آورند.

به عبارت دیگر، دختر فراری به دختران نوجوان و جوانی اطلاق می شود که به دلیل شرایط نامساعد زندگی در خانواده و در اثر فشارهای روحی، روانی و عاطفی و بعضاً دختران شهرستانی به دلیل عدم وجود اوقات فراغت و تفریحات سالم و فریب ظواهر شهرها به امید تشکیل یک زندگی بهتر از محل زندگی و خانواده خود فرار کرده و به شهرهای بزرگ پناه می آورند.

فرار دختران از کانون خانواده و گسیل شدن آن ها به سوی خیابان های بی انتها و غوطهور شدن آن ها در حوادث و وقایع اجتناب ناپذیر، نوع حادی از انحرافات و شکستن ارزش ها و هنجارهای مورد پذیرش جامعه محسوب می شود. این پدیده از یک سو، خود معلول حوادث و مسائل مختلفی است و از سوی دیگر خود زمینه ساز بروز مشکلات و معضلات اجتماعی دیگر.

این دختران که عاطفه خانوادگی را لمس نکرده اند، زمانی که در بیرون از خانه، محبت های کاذبی آنان را دعوت به یافتن «عشق» می کنند، سرا پا تسلیم و بدون تأمل خود را در دامن عشق های زودگذر و دروغین می اندازند و از خانه گریزان می شوند. یک روان شناس زن که به واسطه نزدیکی با روحیات دختران، بررسی روانکاوی را در مورد دختران فراری انجام داده است، می گوید: «یک دختر جوان وقتی به خاطر انگیزه خاص خود که در شاخه های مختلفی می توان آن را مورد نقد قرار داد، از خانه خارج می شود، برای رفع نخستین مشکل خود که یافتن سرپناهی است با کوچک ترین مهرورزی از سوی شکارچیان جامعه، به آنان اعتماد می کند و جذب باندهای فساد می شود.

## ب-سوالات تحقیق:

۱. نوجوانان چرا خانه‌های خود را ترک می‌کنند؟

۲. نوجوانان در مدتی که خانه را ترک می‌کنند کجا بسر می‌برند؟

۳. اوقات خود را چگونه و با چه کسانی سپری می‌کنند؟

۴. هزینه‌های زندگی خود را از چه محلی تأمین می‌کنند؟

## ج-پیشینه تحقیق:

کارن هورنای «میگوید:

فرار دختران از منزل ، به عنوان مکانیسمی دفاعی با واکنش جبرانی و رهایی بخش مطرح است که دختر به خاطر رهایی از رنج و آلام درون منزل خود به خیابان پناه می‌برد که آن را نوعی تضاد درونی فردی می‌داند.

سو میگوید: نیز بر شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت و یافتن اوقات فراغت بیشتر تاکید دارد.

هاروکس میگوید :

رشد انحراف را در سختگیری های بی جا و غیر منطقی بزرگسالان و میل به رهایی از قیود خانواده و هم تمایل به فرار از زیر فشارهای خانوادگی و اجتماعی را جست و جو می کند . پژوهش های مرتبط با موضوع نیز بر سوء رفتار والدین ، نوع رابطه با پدر ، اختلاف شدید با خانواده و درگیری بین اعضا، نابسامانی خانواده ، طلاق، متارکه ،وجود ناپدیری و مادری ، فقر فرهنگی ،بی سوادی و اعتیاد به عنوان عوامل برانگیزاننده نیل به فرار تاکید داشته اند

زائد و شسترم میگوید:

یکی از شاخص های اصلی کارکرد بهنجار خانواده، نقش مادر در خانواده است. شاید اگر عشق و محبت مادرانه در حدی باشد که کودکان را به لحاظ عاطفی و روانی اقناع کند و فرزند در دوران جوانی و بزرگسالی نیازمند توجهات مادرانه افراد دیگر نباشد، در ایجاد استقلال روانی او موثر خواهد بود. عشق بدون قید و شرط مادر برای فرزند امنیت خاطری ایجاد می کند که هرگز نگرانی و تشویش از دست دادن محبوبیت نزد مادر را نخواهد داشت و طرز تلقی کودک چنین خواهد بود

#### د-فرضیات تحقیق:

- ۱-براستی علل و انگیزه های فرار دختران از خانه چیست ؟
- ۲-آیا رفتار خانواده ها با دختران جوان ، نقشی در فرار آنان از خانه داشته است ؟
- ۳-چه عواملی دست به دست هم داده و منجر به گریختن دختران از خانه و خانواده شده اند؟
- ۴-دخترانی که از خانه فرار میکنند همیشه در خیابان ها بصورت ولگری پرت میزنند؟



## ه-اهداف تحقیق:

۱-رسید به نتیجه ای منطقی از فرار دختران

۲-بدست آوردن روش ها و راه حل هایی برای جلوگیری و کنترل فرار دختران

۳-تاثیر فراوان خانواده و جامعه در فرار دختران مورد ارزیابی و تحقیق قرار گرفت

**و-روش تحقیق:** این تحقیق بصورت کتابخانه ای تهیه و تنظیم شده است و کاملاً بصورت فیش برداری تحلیلی و توصیفی است.

**ز-ساماندهی تحقیق:** اگر در خانواده زمینه های هم صحبت شدن با دختران نوجوان در این دوره حساس وجود داشته باشد که البته در اکثریت خانواده های جامعه ما وجود دارد ، اگر والدین صبر و تحمل لازم برای شنیدن حرفهای جدید دختران نوجوان را داشته باشند . اگر تداوم فرهنگ مرد سالاری ، مرد محوری ، در خانواده فرصت بدهد که زنان خانواده به ویژه دختران نوجوان به عنوان یک عضو خانواده سئوالاتشان را در فضای خانه و بدون ترس از تنبیه شدن مطرح کنند آنگاه شاهد افزایش فرار دختران از خانواده نخواهیم بود .

ف ح ل

ل و ا

## فصل اول: کلیات و مفاهیم تحقیق

فرار از خانه از جمله رفتارهای ناسازگارانه ای است که بیشتر از نوجوانان و جوانان سر می زند. باتوجه به پیامدهای سوء آن یکی از آسیب های خانوادگی و اجتماعی جامعه شناخته می شود. آسیبی که میتواند بهداشت روانی فرد و جامعه را تحت تاثیر قرار دهد. مسئله فرار زنان و دختران از خانه همراه با سایر معضلات و آسیبهای اجتماعی مرتبط با آن در سالهای اخیر با رشد روزافزون بویژه در شهرها مورد توجه کارشناسان و متخصصان علوم انسانی قرار گرفته است. فرار از خانه در واقع زیر پا گذاشتن مقررات خانوادگی و هنجارهای اجتماعی است که اغلب به علت ترس، خشم یا انتقام جوئی در مقابل عوامل مخرب و آشفته خانوادگی و اجتماعی رخ می دهند. تجربیات اجتماعی نشان از این واقعیت دارد که سلامت اجتماعی در گرو وجود خانواده ای سالم است که از تعادل مناسب و پایداری برخوردار باشد. این پایداری منوط به نقشی است که هر کدام از عناصر سازنده این نهاد عهده دار می شوند و در این میان، نقش پدر و مادر از اهمیت بیشتری برخوردار است چرا که زن و مرد عناصر اصلی در پایداری خانواده هستند و ادامه موجودیت خانواده متکی به نقش آفرینی آنها می باشد. بعلاوه جامعه ایران در حال گذار از جامعه ای سنتی مبتنی بر اقتدار نظام پدر سالارانه و حفظ حرمت خانواده به جامعه ای با معیار های جدید است که در آن، آنچه اهمیت دارد، فردیت است و سنت ها تاجائی از اهمیت برخوردارند که به آزادی فرد لطمه نزده و اقتدار فردی را تثبیت کند. با این تفضیل روشن است که خانواده مهمترین عامل تاثیر گذار در فرار یا عدم فرار دختران از خانه محسوب می شوند. همانطور که قبلا اشاره شد بررسی های آماری نشان می دهد حدود ۸۰ درصد دختران فراری به خانواده های نابسامان تعلق داشته و عواملی مانند طلاق، اعتیاد والدین، مرگ و ازدواج مجدد والدین در فرار دختران نقش داشته است علاوه بر آن فرهنگ پائین خانواده ها

(براساس آمار موجود بیشتر دختران فراری ساکن روستا یا محله های حاشیه شهر می باشند)، عدم شناخت مسائل و مشکلات دختران از سوی والدین، اعتیاد و فقر از جمله عوامل محرک بر فرار دختران از خانه ذکر شده است. بطور کلی محققین عوامل موثر بر فرار را به طرق مختلف دسته بندی کرده اند در تحقیقاتی که توسط اداره برآورد اجتماعی معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی استان تهران صورت گرفته، «عوامل داخلی از قبیل: ۱- خشونت خانوادگی ۲- تبعیض در خانواده ۳- محدودیت مطلق ۴- آزادی مطلق (فرزند سالاری) و عوامل خارجی از قبیل: ۱- رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی ۲- شهرنشینی ۳- مشکلات اقتصادی» را مهمترین علل فرار دختران از منزل بیان نموده است. همچنین در تحقیق صورت گرفته در معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی مازندران دودسته عوامل شامل:

«الف) علل و انگیزه های روانی (۱- عامل شخصی و درونی که شامل جنس، سن، میزان هوش، ناپختگی روانی، اخلاقی و اعتقادی ۲- عامل برون که شامل شرایط محیطی، اجتماعی، رفتار والدین و بی توجهی آنان به نیازهای فرزندان)»

ب: علل و انگیزه های اجتماعی (۱- بد سرپرستی و بی سرپرستی، اعتیاد والدین، ازدواج اجباری، وجود عشق های کاذب، وضعیت بد اقتصادی و... در فرار دختران موثر شناخته شده است».

## نقش والدین در خانواده

### الف) رابطه مادر با دختر:

یکی از شاخص های اصلی کارکرد بهنجار خانواده، نقش مادر در خانواده است. شاید اگر عشق و محبت مادرانه در حدی باشد که کودکان را به لحاظ عاطفی و روانی اقناع کند و فرزند در دوران جوانی و بزرگسالی نیازمند توجهات مادرانه افراد دیگر نباشد، در ایجاد

استقلال روانی او موثر خواهد بود. عشق بدون قید و شرط مادر برای فرزند امنیت خاطری ایجاد می کند که هرگز نگرانی و تشویش از دست دادن محبوبیت نزد مادر را نخواهد داشت و طرز تلقی کودک چنین خواهد بود که: «آنگونه که هستم، محبوبیت دارم و مورد توجه و مراقبت مادرم قرار می گیرم». برای فرد ناتوان (کودک)، مهمترین نگرانی این است که اگر از او مراقبت نشود و نیازهای جسمی و روانی اش تامین نگردد، چه باید بکند. بنابراین عشق بدون قید و شرط مادر در خانواده، محکم ترین پشتوانه عاطفی و روانی است که کودک می تواند به اطمینان برسد که در هر شرایطی مادر کسی است که نیازهای جسمی و عاطفی او را تامین کند و همیشه از او حمایت خواهد کرد. چنین تصور و قضاوتی به امنیت روانی و اعتماد متقابل بین فرزند و مادر می انجامد. در نتیجه موجبات اعتماد، عزت و احساس توانمندی در نفس و روان کودک را فراهم می آورد تا بتواند در مقابل مشکلات موجود در روابط اجتماعی، راه حل های مناسب با هنجارهای جامعه و توانایی های خود بیابد و عملی کند.

#### ب) روابط متقابل پدر با دختر:

رابطه متقابل پدر با همسر و فرزندان، مکمل نقش و مسئولیت های مادر خانواده است. محبت بدون قید و شرط مادر، امنیت خاطری برای فرزند فراهم می کند که به دنبال ارتکاب اشتباهات هیچ احساس نگرانی و خطا برای از دست دادن توجه و مراقبت های مادر به فرزند به وجود نیاید. اما برای اصلاح و هدایت به سوی رفتار بهنجار، پدر به عنوان نقش مکمل می تواند با همراهی، رسیدگی و نظارت بر چگونگی ایفای نقش اعضای خانواده، فرصتی را فراهم آورد که فرزندان برای کسب شایستگی ها و محبوبیت های بیشتر نزد والدین و دیگران (جامعه) تلاش کنند و تجربه موفقیت را بیاموزند. هر نوع سخت گیری پدران، اعم از اینکه منطقی یا غیرمنطقی باشد، نزد دختران نوعی زورگویی و سلطه جویی تفسیر می شود که مقاومت، لجبازی و فرار غیرمستقیم از پدر و خانواده را به همراه دارد. پرخاشگری اکثر پدران

این دختران، به شکل کتک زدن و فحاشی بوده و الگوی تربیتی آنها مبتنی بر تفکر مرد سالاری و بی توجهی به فرزند دختر به علت جنسیت اوست، به طوری که دختران خود را در ایجاد روابط اجتماعی محدود می کرده اند و به ترک تحصیل و ازدواج احتمالی وا می داشته اند .

از طرفی برابر آمارهای بدست آمده حدود نیمی از دختران فرار در استان خراسان جنوبی بیش از یک بار از خانه فرار نموده اند. پژوهشگران معتقدند علت اصلی فرار مجدد از خانه دختران عدم تغییر شرایطی بوده که به اولین فرار آنها منجر شده بود. «لرنی» موارد ذیل را بعنوان تدبیر برای بازگشت دختران به منزل بیان نموده است :

«۱- تعیین دقیق عوامل موثر بر فرار از منزل اعم از شرایط خانوادگی یا روانی دختر؛ ۲- تلاش برای برطرف کردن یا کاهش عوامل منجر به فرار

(اعم از اقدامات مشاوره ای ، مددکاری و حمایت در سطح خانواده و مدرسه)؛ ۳- آموزش لازم به خانواده ها در باره شیوه برخورد با دختری که به منزل بازگشته است به منظور جلوگیری از خشونت ، توهین ، تحقیر دختر و همچنین حمایت های عاطفی لازم؛ ۴- اطمینان از حفظ سلامت و امنیت دختر پس از بازگشت به منزل؛ ۵- در نظر گرفتن حمایتها و تدابیر قانونی در خصوص دخترانی که پس از فرار مورد خشونت قرار می گیرند و همچنین امکان ارتباط آسان دختر با مراکز مشاوره ای و حمایتی؛ ۶- نگهداری و حمایت از دخترانی که خانواده به هر دلیل ، حاضر به پذیرش آنان نیست و یا بازگشتشان به منزل بنا به تشخیص مشاوران و مددکاران ، سلامت جسمی و روانی آنها رابه خطر می اندازد «

(لرنی ، ۱۳۸۳ص ۱۷۷).

## تعریف تخصصی واژه فرار:

فرار بخشی از رفتار ناسازگارانه‌ای است که کودکان و نوجوانان مرتکب می‌شوند که ابتداء برای رفع نیازهای عادی خود یا پرکردن اوقات فراغت و سپس به اعمال ناهنجار دیگری از قبیل دزدی، ولگردی، روی می‌آورند. از همه مهمتر یافتن افراد همسن و سال خود در پارکها و کوچه‌ها و خیابنها به تشکیل گروههای بزهکاری مبادرت می‌ورزند.

نوجوانی: نوجوانی به دوره‌ای اطلاق می‌شود که حفاصل بین کودکی و میانسالی است

۱۸- ۱۲ سالگی و آغاز بزرگسالی، به عبارت دیگر فرد از کودکی به بزرگسالی، از مرحله‌ای می‌گذرد که نوجوانی گویند «نوایی نژاد، ۱۳۶۶ ص ۷۰».

بحرانی‌ترین ادوار زندگی به حساب می‌آید. چون عوامل زیست، روانی، اجتماعی، تواماً در بروز نوجوانی دخالت دارند. تعیین سن دقیقی برای آغاز و پایان آن امکان‌پذیر نیست ولی معمولاً نوجوانی در دختران سنین ۱۵- ۱۱ و در پسران ۱۶- ۱۲ سالگی را شامل می‌شود.

کجروی یا انحراف: انحراف نوعی درد، عارضه یا بیماری است که آن را آسیب اجتماعی نام نهاده‌اند. بدین خاطر که آثار و عوارض آن در اجتماع ظهور می‌یابد.

انجمن پزشکی نوجوانان، نوجوانان فراری را به چهار گروه زیر که ممکن است بایکدیگر همپوشانی داشته باشند تقسیم نموده است:

۱- فرارهای موقعیتی که بعد از یکی دوروز به خانه برمیگردند.

۲- فرارهایی که بمدت طولانی خانه را ترک کرده و تبدیل به فرارهای کهنه کار و بچه های خیابانی میشوند .

۳- رانده شده ها که والدین آنها راطرد و مجبور به ترک خانه می کنند.

۴- جوانان سازمان یافته که بدلیل فقدان خانواده در پرورشگاهها ومؤسسات زندگی می کنند و بدلیل عدم تحمل شرایط آنجا فرار می کنند (رسول زاده طباطبائی ، ۱۳۸۴ص ۱۲۳)

### انواع رویکردها در خصوص علل فرار دختران از خانه:

دو رویکرد نظری مهم در زمینه فرار دختران، رویکرد انگیزشی و رویکرد شخصیتی می باشند رویکرد اول انگیزه های فرار از خانه را مورد بررسی قرار می دهد در حالی که رویکرد دوم به بررسی ویژگی های شخصیتی و روانشناختی نوجوانان فراری می پردازد.

#### الف- رویکرد انگیزشی:

(هومر ۱۹۷۳ بنقل محمد خانی ۱۳۸۶ص ۷۰) با توجه به بکار گیری رویکرد انگیزشی در مورد دختران فراری انگیزه های آنها را به دو نوع طبقه بندی می کند:

«۱- فرار از وضعیت نامناسب خانواده؛ بعنوان مثال تعارضات واختلاف خانوادگی .

۲- فرار برای رسیدن به اهداف خاص؛ برای مثال روابط عاشقانه، گشت و گذار، ارتباط جنسی

و...

هومر با رد این عقیده که رفتار فرار از خانه صرفاً واکنشی به تعارضات و کشمکش های خانوادگی یا فریاد برای کمک خواهی باشد، اظهار می دارد که بسیاری از کودکان صرفاً بدلائل خانوادگی فرار نمی کنند نوجوانانی که برای رسیدن به هدفی اقدام به فرار می کنند ممکن است مشکلاتی با خانواده یا مدرسه و جامعه داشته باشند ولی بیشتر در جستجوی هیجان هستند هومر این دختران را جستجو گران لذت می نامد. آنها به سوی مکانها و افرادی فرار می کنند که از آن منع شده اند مانند روابط جنسی ، مواد و مشروبات الکلی، و معمولاً جذب گروههای بزهکاری می شوند.



## ب- رویکرد شخصیتی:

در این رویکرد، توجه به خصوصیات شخصیتی به عنوان توضیحی برای رفتار فرار از خانه در نظر گرفته شده است که یا فرار را به عنوان یک «نشانه روان رنجوری» می بینند و یا بر ارتباط «بین کنترل داخلی و خارجی» فرار تکیه می کند. منظور از نبود کنترل خارجی، ناتوانی در تاثیر گذاری بر وقایع خارجی یا مقاومت کردن در برابر آنهاست دخترانی که کنترل خارجی ندارند معمولاً خود را ضعیف می پندارند و راحت تر تحت تاثیر قرار می گیرند. همچنین منظور از نبود کنترل داخلی وجود رفتارهای تکانشی، عصبانی شدن، عدم توانایی قضاوت کردن و احساس درماندگی داشتن است» (محمد خانی، ۱۳۸۶ ص ۸۲)

## دیدگاه های جامعه شناسی علل فرار دختران

نظریه های جامعه شناسی بر نقش اساسی محیط اجتماعی در شکل گیری انحرافات اجتماعی تاکید می کنند. «نظریه بی سازمانی اجتماعی بر این باور است که عواملی چون کاهش کارایی نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و تضعیف تقید های خویشاوندی بعنوان نیروهای غیر رسمی کنترل اجتماعی، کاهش انسجام سنتی اجتماعی که پیامد رشد سریع شهر نشینی، صنعتی شدن و مهاجرت فزاینده به حوزه های شهری است جرایمی نظیر انحرافات جنسی، اعتیاد و... را افزایش می دهد» (حمیدی، ۱۳۸۳ ص ۳۳).

از نظر جامعه شناسانی چون ساترلند، فرار یک نوع رفتار بزهکارانه تلقی می شود. «ساترلند معتقد است: رفتار بزهکارانه یادگرفته، موروثی و ذاتی افراد نیست، بلکه ناشی از نظام اجتماعی بوده و ساخت روابط اجتماعی هم عامل رفتار بزهکارانه و هم عامل رفتار درستکارانه است. ساترلند بزهکاری را ناشی از خطای خانواده ها دانسته است که قادر به یاد دادن ارزشها و هنجارها نبوده اند. به نظر وی نگرانیها و نیازهای ارضا نشده در افراد عادی و بزهکار شبیه به هم است و فقط روشهای یادگرفته شده واکنش به این نگرانی ها در آنان متفاوت است.

خانواده به عنوان اولین محیط یاد گیری نوجوانان بر بزهکاری مؤثر است و معمولاً شرایطی مانند بزهکاری سایر افراد خانواده یا فساد اخلاقی و اعتیاد آنها، فقدان والدین در اثر فوت یا طلاق یا متارکه، ناسازگاری موجود در خانه از جمله تحکم بوسیله یکی از اعضای خانواده و سختگیری بیش از حد معمول و فشارهای اقتصادی نظیر بیکاری و درآمدناکافی، موجب ارتکاب بزه در فرزندان می شود» (احمدی، ۱۳۷۷ ص ۱۰۰).

بر اساس نظریه نوین کنترل هیرشی، «هرچه همبستگی بین اعضای یک جامعه بیشتر باشد، افراد تمایل بیشتری به تبعیت از مقررات آن جامعه دارند؛ کج رفتاری زمانی بروز می کند که پیوند و تعلق میان فرد و جامعه ضعیف باشد یا گسسته شود و هرچه افراد کمتر وابسته، متعهد، درگیر و معتقد باشند، پیوند آنها با جامعه سست تر است و احتمال کج رفتاری بیشتر خواهد بود. هیرشی همچنین معتقد است بین خود کنترلی ضعیف و کج رفتاری ارتباط وجود دارد و منشأ آن را در خانواده، دوران کودکی و جامعه پذیری ناکارآمد می داند» (هلاکوئی، ۱۳۵۶، ص ۲۱۱). برخی از دیدگاههای روانشناختی نیز ماهیت فرار را بررسی کرده اند. از دیدگاه روانکاوی فرار نوعی مکانیسم دفاعی و یا واکنش جبرانی تسلی بخش است که فرد برای نجات و رهایی از رنجها به آن تن در میدهد.

همانطور که مشاهده می شود، بر اساس نظریه های مختلف روانشناختی و جامعه شناختی، عوامل خانوادگی و روانشناختی در فرار دختران از منزل نقش بسزایی دارند. صرفنظر از مؤلفه ها و معیار های عمومی مصداقی علت روند رو به رشد پدیده فرار از منزل دختران در انواع مختلف را برخی فهرست وار به شرح ذیل بیان نموده اند:

۱ - ناآگاهی والدین در خصوص چگونگی برخورد با فرزندان شان خصوصاً دختران.

۲ - تبعیض گذاردن والدین بین فرزندان دختر و پسر.

۳ - حمایت های نابجای والدین در مقابل خطاهای فرزندان.

- ۴ - عدم ارتباط صمیمی میان مادر و دختر.
- ۵ - عدم نظارت والدین بر ساعات ورود و خروج فرزندان (خصوصاً دختران).
- ۶ - عدم کنترل والدین بر مخارج ماهانه فرزندان.
- ۷ - ازدواج اجباری ، اختلافات خانوادگی ، خانواده های تک والدی.
- ۸ - رواج لجام گسیخته استفاده از ماهواره در بین خانواده ها.
- ۹ - اغفال از طرف دوستان و همکلاسان.
- ۱۰ - عدم برقراری ارتباط صمیمانه و صحیح بین مشاورین مدارس و دانش آموزان.
- ۱۱ - فقر فرهنگی و اقتصادی و حاشیه نشین بودن این افراد در سطح شهرستان.
- ۱۲ - عدم پایبندی به مسائل دینی و شرعی در بین جوانان.
- ۱۳ - عدم استفاده صحیح از تلفن همراه.
- ۱۴ - عدم وجود مراکز مشاوره دولتی جهت مراجعه دختران در معرض آسیب.
- ۱۵ - تغییر ارزش ها

## پیامدهای فرار

فرار از خانه، به غیر از آثار سوء و مخربی که بر خانواده و جامعه می گذارد پیامدهای ناگوار و آسیب زننده ای نیز برای دختران فراری، بدنبال دارد که لرنی به برخی از مهمترین آنها بصورت فهرست وار به شرح ذیل اشاره کرده است :

«الف- برقراری ارتباط جنسی برای کسب پول یا مسکن و سرپناه

ب- زندگی خیابانی و بی خانمانی

ت- خطر ابتلا به بیماریهای مقاربتی بویژه ایدز

پ- اعتیاد به مواد مخدر و داروهای روان گردان

ث- اختلالات روانی و اختلالات شخصیتی

ج- قاچاق و خرید و فروش مواد مخدر

چ - مشارکت در دزدی و اخاذی و جیب بری

ح - پرداختن به انواع مختلف بزه

خ - عضویت در باند زورگیران یا باند فحشا د - طرد شدن از خانواده و جامعه و...» ( لرنی،

۱۳۸۳، ص ۳۲۴)

بنابراین ضروری است که در راستای بازگشت دختران فراری به منزل تدابیری اتخاذ گردد این تدابیر زمانی راهگشا خواهد بود که تمام علل و عوامل شیوع و گسترش معضل دختران فراری در جامعه مورد توجه و بررسی دقیق قرار گیرد .

ف ح ل

م د و

## فصل دوم: فرار دختران از خانه

اگر بخواهیم ببینیم نظر قرآن درباره خلقت زن و مرد چیست؟ لازم است به مسأله سرشت زن و مرد که در سایر کتب مذهبی نیز مطرح است توجه کنید، قرآن نیز در این موضوع سکوت نکرده است، قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می‌فرماید که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده‌ایم یکی دیگر از نظریات تحقیرآمیزی که در گذشته وجود داشته است و در ادبیات جهان آثار نامطلوبی بجا گذاشته است این است که زن عنصر گناه است و از وجود زن شر و وسوسه برمی‌خیزد. قرآن داستان بهشت آدم را مطرح کرده ولی هرگز نگفته است که شیطان یا مار، حوا را فریفت و حوا ادم را، قرآن نه حوا را به عنوان مسئول اصلی معرفی می‌کند و نه او را از حساب خارج می‌کند قرآن می‌گوید: به آدم گفتیم خودت و همسرت در بهشت مسکن گزینید و از میوه‌های آن بخورید قرآن آنجا که پای وسوسه شیطانی را به میان می‌کشد ضمیرها را به شکل تشبیه می‌آمد و می‌گوید: شیطان آن دو را وسوسه شیطانی را به میان می‌کشد ضمیرها را به شکل تشبیه می‌آورد و می‌گوید: شیطان آن دو را وسوسه کرد یا شیطان آن دو را به فریب راهنمایی کرد و یا شیطان در برابر هر دو سوگند یاد کرد که جز خیر آنها را نمی‌خواهد.

در قانون اساسی کشورمان در بسیاری قوانین تساوی مرد و زن به وضوح دیده می‌شود. برای مثال بند ۱۴ از اصل ۳ قانون اساسی «تأمین تساوی عموم در برابر قانون» با اصل بیستم «همه افراد ملت» اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

ولی مطابق برخی اصول، زنان اجازه ورود به برخی حیطه‌ها را ندارند برای نمونه طبق اصل ۱۱۵، رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی انتخاب گردد. البته در این پژوهش مجال نیست تا به تحلیل قانون اساسی و سایر قوانین مدنی، حقوقی و کیفری و یا مقررات

فقهی پردازیم فقط به این مقدار بسنده می‌کنیم که در حال حاضر در جامعه‌مان زنان با محدودیت‌هایی مواجه هستند بدون آنکه دلیلی برای آن وجود داشته باشد. با توجه به تمام مطالب به نظر می‌رسد جامعه ما به متمایز بودن وظیفه مردان و زنان معتقد است و انتظار دارد زنان در خانه نقش بارزتری را ایفاء کنند.

## فرار دختران از خانه:

فرار نوجوانان و جوانان از خانواده امروزه در جهان به عنوان یک مسأله و مشکل اجتماعی توجه صاحب‌نظران را به خود جلب کرده است اهمیت این مسأله از آنجا بیشتر آشکار می‌شود که جامعه‌شناسان بقاء جامعه را در گرو بقای خانواده و موفقیت و شکست جامعه را در سلامت و یا گسستگی نهاد خانواده، یافته‌اند خانواده به عنوان سازمان اجتماعی کوچکی برخوردار از روابط تعاملی والدین - فرزندان است و روابط فرزندان، والدین و سایر اعضای خانواده چون شبکه و نظامی در هم پیچیده است که افراد آن در کنش متقابل با یکدیگر و این نظام در مجموعه‌ای از نظامهای اجتماعی بزرگتر قرار گرفته است جامعه بزرگتر خود جزئی از زمینه فرهنگی برای الگوهای رفتاری خانواده است و در تثبیت یا تزلزل آن تأثیر دارد.

کانون خانواده، اساسی‌ترین سهم را در آن دارد. مسیر رشد، دوره بلوغ و نوجوانی از حساس‌ترین مراحل زندگی است که از آن به عنوان دوره بحران یا دوره بی‌سر و سامانی روحی تعبیر می‌شود، در این مرحله اگر والدین درک و شناخت درستی از شرایط روحی، عاطفی و جسمانی فرزندان نداشته باشند و برای گذر بی‌مخاطره و کم‌مخاطره این بحرانها او را مشتاقانه و آگاهانه همراهی نکند امکان بروز کجروی و رفتارهای نابهنجار از سوی آنان افزایش خواهد یافت، فرار نوجوانان و جوانان از خانه یک زنگ خطر و هشدار است که علاقمندان و دلسوزان جامعه را برای حفظ کیان خانواده و سلامت و تعادل جامعه به چاره‌اندیشی فرار می‌خواند.

اصطلاح نوجوان فراری بر کسی اطلاق می‌شود که منزل را بدون قصد بازگشت ترک نماید، به نظر می‌رسد این پدیده از معضلات خانوادگی و اجتماعی فراگیر در سطح جهان است و طی سالهای اخیر در کشورها، رو به افزایش است، «اقلیما، ۱۳۸۰. ص ۴»

برای مثال: انجمن کودکان در انگلستان اطلاعات زیر را در مورد کودکان فراری گزارش کرده است:

هر سال ۱۰۰۰۰۰ کودک زیر ۱۶ سال فرار می‌کنند. ۸۰ درصد فراری‌ها از مشکلات موجود در خانه فرار می‌کنند، به دلائلی از قبیل خشونت، آزار و تعارض با والدین.

۱/۴ بچه‌های فراری، اولین فرارشان قبل از ۸ سالگی است.

۱/۳ پسرها و ۱/۵ دخترها وقتی که اولین بار فرار می‌کنند ۱۱ ساله هستند.

بسیاری از بچه‌های فراری بعد از یک روز به خانه برمی‌گردند و آسیب جدی‌ای نمی‌بینند، اگر چه ۱/۴ از آنها در شرایط سختی می‌خوابند، مثلاً: در کوچه‌ها، روی زمین و یا ایستگاه اتوبوس.

۱/۷ بچه‌ای فراری مورد تجاوز جنسی یا حمله‌های خشونت‌بار و یا هر دو قرار می‌گیرند.

۴۱ درصد فراریها، از مدرسه اخراج شده‌اند «انجمن کودکان انگلستان ۱۹۹۹»

دکتر مصطفی اقلیما در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر در بازگشت مجدد زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی بر مراکز بازپروری سازمان بهزیستی، معتقد است که از جمله آسیب‌های اجتماعی، مسأله فرار دختران از خانواده و به دنبال آن مسأله روسپیگری است و با مطالعه در علل این پدیده و به خوبی روشن می‌شود که فقط بیکاری، جنگ، تنوع‌طلبی، فریب‌خوردگی، طردشدگی، شکست در عشق، تمایل بر درآمد بیشتر، علل جنسی و عوامل خانوادگی مهمترین عواملی هستند که هر روز بر تعداد لطمه‌های جدید روسپیگری می‌افزاید



با توجه به اینکه در جامعه ما این مسأله به عنوان جرم محسوب می‌گردد افرادی که مرتکب چنین عملی می‌گردند به مراکز بازپروری جهت انجام فعالیتهای بازپروری ارجاع می‌گردند. «اقلیما، ۱۳۸۰: چکیده»

### نقش عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی در انحراف:

نقش مسائل اجتماعی در انحراف: وقایع اجتماعی و امور جریانات آن در رفتارهای انحرافی دارای نقش و تأثیری فوق‌العاده است آن چنان که حتی عده‌ای از جامعه‌شناسان آن را علت اصلی آسیب‌های اجتماعی ذکر کرده‌اند از مسائل اجتماعی که در دامن زن به انحرافات و یا زمینه‌سازی در آن اثر دارند موارد بسیاری را می‌توان نام برد که برخی از آنها عبارتند از:

#### تراکم جمعیت:

گسترش روزافزون صنعت و توسعه، بدون توجه به نظارت جوانب آن خود سبب تراکم جمعیت بیش از اندازه است کم اثر شده و فقر و محرومیت افزایش می‌یابد در نتیجه زمینه برای آسیبها فراهم می‌گردد.

بررسی‌ها دور کیم نشان داده است افزایش جنایات با تراکم و افزایش جمعیت، نسبت مستقیم دارد در اماکن پرجمعیت، شلوغ، سوءاستفاده‌ها، فحشاء اعتیاد بیشتر به چشم می‌خورد و این امر در جوامع صنعتی و در توسعه‌های شهرنشینی بیشتر نمایان است زیرا در جوامع متراکم و پرجمعیت، کنترل‌ها ضعیف شده و به سبب تعارض فرهنگی، و رسوم اخلاقی گوناگون و ایدئولوژیهای متفاوت موجب می‌گردد که دوستی‌های متقابل کاهش یابد و امکان آشنایی‌های عمیق از بین رفته و روابط صوری شود.

## محل سکونت:

همیشه این سؤال مطرح است که چه رابطه‌ای بین محیط اقامت و انحراف وجود دارد؟ پاسخ این پرسش در مناطق بسته به موقعیت فرق می‌کند تفاوت روشنی که بین میزان انحرافات شهرهای بزرگ و پایتختها و شهرهای کوچک و روستانشین وجود دارد، بیانگر این واقعیت است.

برای مثال محل سکناى متصل بر خطوط راه آهن یا کارگاهها یا اماکن صنعتی و یا مناطق گرم و دور افتاده نیز محیط مناسبی به شمار نمی‌رود از آنجا که اغلب، طفل یا نوجوان مقیم این‌گونه اماکن، همواره احساس محرومیت می‌کند چه بسا که گرفتار طغیان و عصیان نیز می‌گردد که اغلب بر ارتکاب جرائم منجر می‌شود، اقامت در محلات پست یکی از عوامل مساعد کننده زمینه انحراف است.

## مناطق جرم خیز:

در بیشتر شهرهای صنعتی مجرمین در نواحی نامناسب و فقیر شهر زندگی می‌کنند و البته آنچنان نیست که در مناطق اغنیا از جرم و انحراف خبری نباشد، بلکه در آنجا کمتر آشکار است در نواحی فقیرنشین، بیکاری، هرج و مرج، بیماری، انحراف دائماً رو به توسعه است. بیشترین بودجه رفاهی و درمانی درست در مناطق جرم‌خیز صرف می‌شود، سوءاستفاده و دزدی، فحشاء و دیگر آلودگیها مربوط به این مناطق است. اگر دولتها بودجه‌ای را که به دستگیری، حبس، محاکم این افراد اختصاص می‌دهند برای سلاح آن صرف کنند به صرفه‌تر است.

اغلب جرائم در مناطق فقیر و کثیف شهر صورت می‌گیرد و یا در زاعه‌ها و مناطق پرت و متروکه و یا شلوغ و پرهیاهو، این امری است که در کشورهای دیگر هم مصداق دارد.

## مهاجرت:

مهاجرت‌های بی‌حساب و حرکت‌های دائمی مردم از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر، مشکلات بسیاری را در رابطه با آسیب‌های اجتماعی پدید می‌آورد، مهاجران به سختی می‌توانند خود را با شرایط قانونی و حیات جدید و از همه مهم‌تر، فرهنگ آن منطقه سازگار کنند. ضمن اینکه افزایش جمعیت ناشی از مهاجرت در یک محدوده و منطقه مسأله اجتماعی پدید می‌آورد.

مهاجرین در طریق جا انداختن تثبیت موقعیت خود گاهی رفتاری خلاف انتظار از خود بروز می‌دهند و البته این امر درباره نسل اول مهاجران اندک است و نسل‌های بعد که خود را در آن منطقه صاحب آب و گل یافتند، زیاده‌تر می‌گردند. کودکان مهاجر که در اقلیتند از وجود والدین احساس شرمساری می‌کنند و این خود منشأ بسیاری از نابسامانی‌هاست. گسستگی روابط، کاهش دوستی‌ها و صمیمیت‌ها، طرح اندک روابط متقابل، دیر مأنوس شدن با محیط اجتماعی خود سبب پیدایش و گسترش دشواری است.

## ماهیت زندگی شهری:

ماهین زندگی در شهر همانند عاملی از عوامل انحرافی است اصولاً این نوع زندگانی فرار از دست قانون، پلیس، اختفاء از نظر قدرتها را بیشتر مهیا و آماده می‌سازد و همچنین در شهرهای بزرگ بسیار از درهای خوشگذرانی و بطالت بر روی اشخاص خصوصاً جوانان باز است. آنان می‌توانند در اوقات فراغت روش‌های غیر قانونی را فراگیرند، طبیعتاً در شهرهای بزرگ، مجال انتشار خانه‌های فساد و دواير قماربازی زیاد است، در حالیکه این انگیزه‌ها در مناطق کم جمعیت بسیار نادر است.

## دوستان و رفقا:

تکوین شخصیت فرد، متکی به عناصر موجود در محیط داخلی و خارجی اوست، در این میان پدر و مادر نقش اساسی دارند، وقتی جوان با شخص منحرف ارتباط دارد عملاً منحرف می‌گردد.

همنشینی اطفال با دوستان منحرف که در سنین بلوغ به سر می‌برند اثرات عمیق‌تر و نتایج شدیدتری به دنبال دارد، اگر فردی در ابتدای سنین نوجوانی با افراد شرور بالغ برخورد داشته باشد، شخصیت او به طرز شدیدی تحت تأثیر قرار می‌گیرد، خواه این برخورد به صورت تصادفی و یا غیر مترقبه و یا به طور تماس دائم باشد، و اعم از اینکه شناسایی در خانواده انجام پذیرد یا در خارج از منزل، در هر حال جوان کم سن و سال از عناصر شخصیت دوست بالغ خود متأثر می‌شود و نسبت به عناصر نادرست شخصیت او اعتقاد پیدا می‌کند. انحراف آن دوست بزرگتر را شجاعت و شهامت تصور می‌کند و دشمنی با دیگران را نشانهٔ مرد بودن تلقی می‌کند.

## تأثیر عوامل فرهنگی بر انحراف:

فرهنگ را می‌توان شامل عقاید و افکار، دانش و تربیت، آداب و رسوم و سنن، اخلاق و رسوم اخلاقی، فلسفه و هنر، ادبیات، ابداعات و اختراعات دانست یا مجموعه‌ای در موارث اجتماعی که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، کار فرهنگ، تعیین و تنظیم قواعد و آداب و رسوم جامعه است و می‌تواند از عوامل کنترل کننده به حساب آید که همهٔ شئون زندگی انسانها را زیر نظر می‌گیرد. برخی از جرم‌شناسان معتقدند کجروی و انحراف حاصل از تضادهای فرهنگی و منحرف پرورش یافتهٔ فرهنگ جامعهٔ خویش است و پای‌بندی به فرهنگ جامعه است که او را کجرو بار آورده است.

## تأثیر عوامل اقتصادی بر انحراف:

عدم تأمین اقتصادی، روشهای کسب پول و مبارزه با نداری، نداشتن شغل و مسکن نامناسب، عدم امکان بهره‌مندی از غذا، بهداشت و بلاخره با فقر دست به گریبان بودن، تنگدستی، بیکاری و . . . زمینه را برای تن‌دردادن به بسیاری از کجرویه‌ها فراهم می‌نماید، البته اگر موجبات رشد و پیشرفت اقتصادی و امکان رفاه و آسایش پدید آید، همهٔ مسائل و دشواریهای بشر حل نخواهد شد، اما اگر احتیاجات اولیهٔ انسان برآورده شود مانع بسیاری از مفاسد و آلودگی‌ها خواهد شد.

فشارهای اقتصادی موجب پیدایش تجاوزات، اعتیاد و تن‌دادن به روسپیگری می‌شود. با پیشرفت اندیشهٔ بشری و ظهور عقاید جدید دربارهٔ تربیت، اهل تحقیق بر وجود تأثیر عوامل اقتصادی در تعیین شخصیت و رفتار انسان پی بردند و متوجه شدند که انحراف به صورت بارزی با فقر و اقتصاد نادرست ارتباط دارد.

گرسنگی و برهنگی، کمبود مواد غذایی و عدم ارضای نیازمندیهای ضروری، از بزرگترین عواملی است که منجر به ظهور رفتار ضد اجتماعی می‌گردد. فقر افراد به خصوص افراد جوان را برای پذیرش انحراف آماده می‌کند و این آمادگی وقتی با عوامل کمک‌کنندهٔ دیگری همراه شد به احتمال زیاد باعث سقوط می‌گردد.

خلاصه اینکه، فقر ذاتاً سبب انحراف نیست، ولی بی‌گمان به وجود آورندهٔ سختیها و ناملایماتی است که اگر نتوان در قبال آنها مبارزه کرد، خواه‌ناخواه انسان را به زانو در می‌آورد. اغلب محرومیتها و برآورده نشدن تمایلات که باعث عدم اطمینان اجتماعی است متکی به عامل فقر است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

## خانواده و انحراف:

نخستین محیطی که کودک در آن پرورش می‌یابد و در رفتار بعدی فرد فوق‌العاده مؤثر است، خانواده است. آنچنان که حتی عده‌ای از جرم‌شناسان آن را عامل سلامت یا بیماری آینده فرد ذکر کرده‌اند و مخصوصاً ظهور آثار آن را در دوره جوانی فوق‌العاده دانسته‌اند.

جامعه‌شناسان رابطه‌ای بین جنایات و حیات خانوادگی یافته‌اند به طوریکه میزان جنایات را در خانواده از هم گسسته بسیار زیاد می‌دانند. رویدادهای خانوادگی در سرنوشت افراد مؤثرند، روابط ناخوشایند والدین، فوت و طلاق، جدایی و متارکه، مشکلات بسیاری برای افراد می‌آفرینند.

مطالعات انجام یافته دانشمندان و متخصصان علوم اجتماعی و انسانی و دستورات و راهنمایی‌هایی که پیامبران الهی برای هدایت و رشد و کمال و تربیت انسانها از منبع وحی ابلاغ کرده‌اند بر نقش نهاد خانواده به عنوان اصلی‌ترین کانون پرورش و تربیت تأکید شده است.

خانواده، زنجیره ارتباطی اجتماع و تضمین کننده آرامش و ثبات جامعه است. کودکان نخستین وابستگی‌های عاطفی نزدیک و صمیمی خود را در خانواده برقرار می‌سازند و درونی‌کردن ارزشها و هنجارهای فرهنگی را در آن آغاز می‌کنند.

کارکرد عاطفی خانواده از نیاز انسان به محبت و وابستگی‌ها ناشی می‌شود، بدون وجود محبت و احساس پیوستگی، خانواده ممکن است با مشکلات عاطفی و روانی مواجه گردد. دختران نوجوانی که کمبود محبت دارد به هرکس که سر راه او قرار گیرد و به او اظهار محبت کند علاقه‌مند می‌شود و چه بسا در این مسیر تباہ شود.

## خشونت والدین و اثرات آن:

انطباق‌های سخت و خشن، مانع رشد فکری، بدنی، اخلاقی و عاطفی کودکان می‌شود. فرزندان که در چنین خانواده‌هایی رشد نموده‌اند، زمینه‌های ابتکار و خلاقیت در آنها کمرنگ شده و همواره در تصمیم‌گیری مردد هستند، غالباً افرادی بی‌ارده بار آمده و در نتیجه کرامت انسانی آنها مخدوش می‌گردد.

هنگامی که به خاطر انطباق سخت، آزادی فرد محدود و یا نقش‌ها از بین برود امر تربیت دچار خطر می‌گردد و امکان رشد را از آنان سلب می‌نماید، کنجکاوی‌هایشان را می‌کشد، طفل را وا می‌دارد که راه خموری، بی‌حالی، غیرفعال بودن را در پیش بگیرد و از راه و رسم رشد فرو ماند.

این خطر هنگامی شدید می‌شود که والدین هراز گاهی فرزندان خود را وسیله‌ای برای فرونشاندن خشم فرد قرار دهند و طفل را به باد کتک و خشونت گیرند. بی‌رحمی‌های پدر، کتک‌کاری او به قصد کشت، چنان ناامنی و وحشتی در آنان پدید می‌آورد که گاهی خواب و قرار از آنان می‌ستاید.

## فساد و آلودگی والدین:

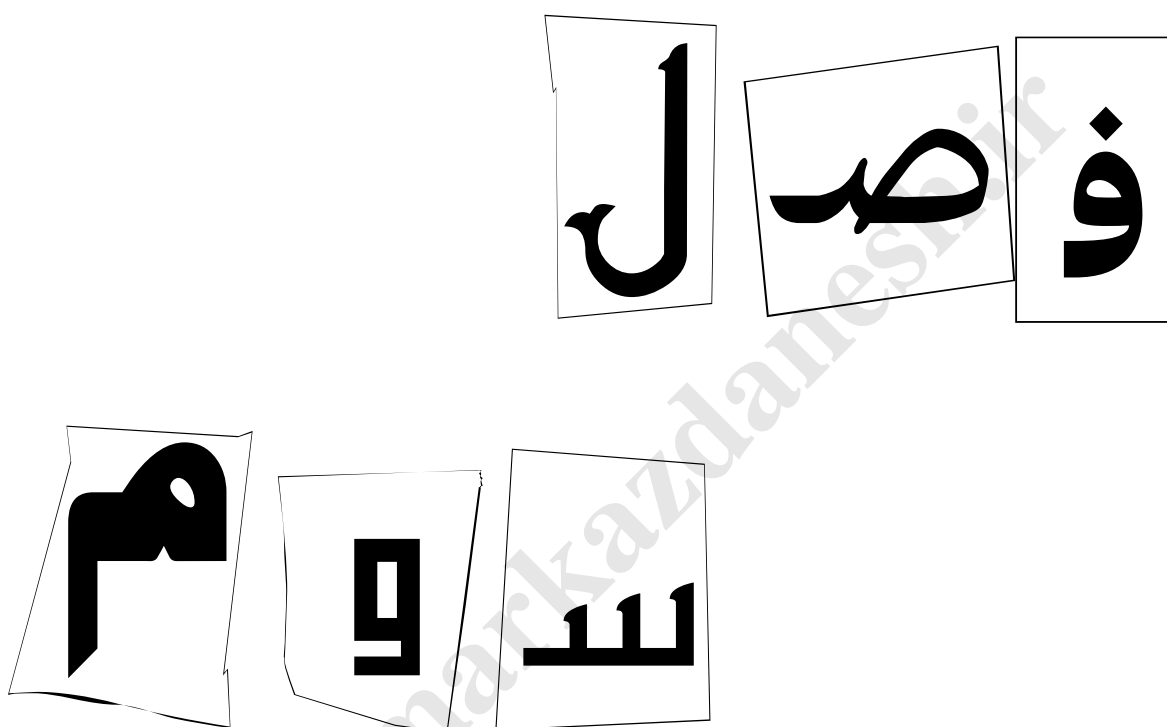
اعتیاد و سرگرمیهای آلوده در محیط خانواده، از عوامل ویران کننده و متلاشی کننده بنای خانواده و تربیت است. کودکی که شاهد آلودگی‌ها و انحرافات والدین خویش است از آنها درس می‌آموزد، ولی درس خطرآفرین و ویران کننده والدین با عمل انحرافی خود الگوی بدن برای کودک خود می‌شوند حتی اگر کودک در سنی باشد که از این مسائل سر در نیاورد مشاهده آن برای او خطرناک است.

خانه‌ای در آن آمد و شد برای افراد ناباب و معاشران آلوده باشد خانه خوبی نیست زمینه‌ساز انحرافات فکری و اخلاقی برای کودکانی است که در آنجا زندگی می‌کنند.

بررسی‌های آسیب‌شناختی نشان داده است که حاصل اعتیاد را در این سردی کانون و سستی پیوند عاطفی در این کانون و وارض ناشی از تبه‌کاران و آلودگی والدین، بدآموزی تقلید ناروا، احساس شرمساری، نابسامانی زندگی، استعداد انحراف و سرانجام منجر شدن به ارتکاب جرم می‌باشد معمولاً والدین و اعضاء معتاد خانواده، تنها فکر تهیه مواد جهت رفع خماری خود بوده و نسبت به فرزندان و سایر اعضای خانواده خود احساس مسئولیت نمی‌کنند زندانی دوربند شدن والدین به خصوص مادر که کانون مهر و شرافت و پاکدامنی طفل می‌باشد علاوه بر اینکه باعث جدایی طفل از مادر می‌گردد باعث عوارض نابهنجاری خواهد گردید.

از دیگر عوامل خانوادگی که در بروز انحراف و بزهکاری مؤثر است، می‌توان از طرد و بی‌مهری، توجه بیش از حد به فرزندان، عدم مراقبت و بی‌توجهی والدین و سرپرستان بر امور فرزندان و خانواده و فقر مالی خانواده، مرگ یا جدایی والدین، نفاق و ناسازگاری والدین نام برد. (اقلیما،: ۱۳۸۰ ص ۴۵. ۸۱)





## فصل سوم: علل فرار

### چه کسانی از خانه فرار می کنند؟

همه انسانها اگر در جایی که به سر می برند «اعم از خانه و محل کار» احساس رضایت نکنند و فضای حاکم بر محیط موجب رنج و عذابشان شود، به فکر فرار می افتند. ولی از میان خیل انسانهای ناراضی و ناراحت، درصد بسیار کمی فکر خود را عملی می کنند و آنهایی که مانده اند سعی کرده اند مشکلات و موجبات ناراحتی خود را در محیط بر طرف کنند یا خود را با شرایط موجود تطبیق دهند تا محیط قابل قبول و تحمل پذیر گردد.

تمایل بر فرار از محیط در مورد جوانها به خصوص در افراد ۱۲ ساله تا ۲۰ ساله قویتر و جدی تر است. فرار از خانه برای نوجوان، نتیجه یک مسأله عاطفی و لاینحل، برای خانواده یک مسأله مربوط به روابط متقابل و برای جامعه یک مسأله احتمالی است.

فرار نوجوان از خانه، یک مشکل و معضل حاد و عمومی مبتلا به نهاد خانواده نیست، ولی نمود آشکاری از وجود مسأله ای عمیق تر و پیچیده تر به نام مسأله ارتباط نوجوان با والدین است.

نوجوان گاهی برای رهایی از رنج و ناراحتی، نجات از سرزنش های مداوم و تحقیرهای مکرر و خرد شدن شخصیت خود از خانه می گریزد. گاهی برای مقابله و تنبیه والدین و گاهی به خاطر احساس بی پنهایی و عدم امنیت. پشت پا زدن به عواطف و پای بندیه های موجود در خانواده و نادیده گرفتن انتظارات جامعه مسلماً یک نوع رفتار عادی و طبیعی به هنجار نیست ولی عکس العمل طبیعی و به هنجار، رویارویی و برخورهای کسالت آور و خسته کننده موجود در محیط نابهنجار خانوادگی است.

جوانان فراری از خانه مانند ولگردن برای تهیه مایحتاج زندگی خود و خوراک، مرتکب سرقت، جیب‌بری و اعمال منافی عفت، خودفروشی، و در دختران آشنایی با افراد مفسد به فحشاء کشانده می‌شوند.

### شرایط عمومی افراد فراری:

بررسی‌ها نشان داده است که افراد فراری از نظر فردی، خانوادگی و اجتماعی دارای این شرایط هستند: از نظر فردی: اختلال منش دارند، افرادی ضعیف‌الاراده‌اند، حساس و زودرنجند، عقب‌ماندگی درسی دارند، برای امور غیر درسی ارزش بیشتری قائلند، برخی از آنها عقب‌ماندگی ذهنی دارند، شخصیتی تلقین‌پذیر داشته و یا به انحرافات و اختلالات و بیماریهای روانی از جماه صرع، اسکیزوفرنی پارانویا مبتلا هستند و به علت عدم تکوین شخصیت، ثبات و انضباط اجتماعی ندارند. اگر چه افراد باهوش هم در بین آنها اندک نیست و حتی در بین آنها نوابغ هم دیده می‌شود.

برخی از اینان که البته بیشترشان نوجوانند دچار رنج عصبی هستند، بیخوابی دارند، احساس گناه آنان را آزار می‌دهد، دسته‌ای از این اطفال و نوجوانان از لحاظ وضع جسمی و روانی سالم و عاری هستند. ممکن است تحت تأثیر محیط خانوادگی و محیط تحصیلی برای تفریح و خوشگذرانی و یا تقلید از فیلم‌ها و ماجراجویی اقدام به فرار کنند.

### از نظر خانوادگی:

به علت نفاق، ناسازگاری، اهت یاد پدر و مادر، تشنج در محیط خانوادگی، طرد و تحقیر، کمبود محبت، از هم گسیختگی خانواده «طلاق، جدایی، فوت» و عدم مراقبت و بی‌توجهی والدین و سرپرستان نسبت به امور تحصیلی بویژه در خانواده‌های پر جمعیت، ترس از تنبیه در صورت عدم موفقیت در تحصیل، اقدام به فرار از منزل و ترک تحصیل می‌کنند. اطفال نازپرورده که

دائم تحت مراقبت، نظارت شدید قرار دارند برای کسب آزادی و استقلال از خانه فرار می‌کنند.

### از نظر اجتماعی:

اغلب در منطقه و محیطی زندگی کرده‌اند که مناسب برای داشتن حیات شرافتمندانه نبوده است. در محیط اجتماعی‌شان رفتار ضد اجتماعی، آلودگی، اعتیاد وجود داشته است. با تیپ بی‌بندوبار و پرخاشگر مواجه بوده‌اند. بدآموزی در زندگی‌شان بسیار بوده است، مشکل انضباطی و اخلاقی داشته‌اند. منطقه زندگی‌شان منطقه شکست، خواری‌ها، سرافکندگی‌ها بوده و این خود زمینه را برای محدود ساختن فرد و حوزه معاشرتی او فراهم کرده است.

(همان منبع، ۱۴۸ و ۱۴۹)

کاتر در مقاله‌ای تحت عنوان «شناخت فرار نوجوانان و پیشگیری آن» علل فرار از منزل را به شرح زیر می‌داند:

۱) اجتناب از عواقب و نتایج ناخوشایند رفتار یا اعمالی که فرد انتظار دارد، در آینده با آن مواجه شود. مثل تهدید به تنبیه و یا تنبیه والدین در مقابل شکست تحصیلی فرزند.

۲) فرار از دام مواجهه با تجربه‌ای مستمر و پیش‌رونده نامطلوب. دردناک یا سخت در زندگی مثل آزار جسمی و جنسی در منزل.

۳) پیشگیری از ترک فعالیتها، ارتباطات یا دوستی‌هایی که برای فرد مهم و با ارزش به نظر می‌رسند مثل جلوگیری والدین از معاشرت نوجوانان با دوستانش بدون جایگزینی و با تحکم.

۴) به منظور بودن با افرادی که به رغم ایشان حمایتگر، مشوق و فعال هستند، مثل زندگی با همسالان.

۵) برای بودن با افراد یا مکانهایی که آنها را از مشکلات دیگر زندگی‌شان دور می‌سازد.

۶) تغییر یا توقف آنچه که در حال انجام است یا قرار است انجام گیرد مثل ازدواج نامناسب توأم با تهدید والدین.

همچنین معتقد است مشکلاتی که خطر بروز فرار کودکان و نوجوانان را افزایش می‌دهد عبارتند از:

- ۱) کودک آزاری یا غفلت نسبت به کودک.
  - ۲) استفاده از الکل یا مواد مخدر.
  - ۳) طلاق یا جدایی که مواجهه با آن بدرستی انجام نشده است.
  - ۴) رفتار متضاد و، مماند والدین که با تخیلات نامناسب نوجوان ترکیب شده باشد.
  - ۵) آمیزش با یک گروه همسالان ضد اجتماع
  - ۶) مرگ یکی از اعضای خانواده که مواجهه با آن به درستی انجام نشده باشد.
- در کنفرانسی که در اکتبر سال ۲۰۰۰ در شهر ادمونتون با عنوان فراهم کردن امنیت در مورد افراد معلول و کاهش خطر آزار و سوءرفتار برگزار شد، یکی از مقالات مطروحه با عنوان سوءرفتار با افراد معلول و یک شخص از این مقاله در مورد علائم هشدار دهنده بود و در آن یکی از اثرات سوءرفتار را فرار از خانه ذکر کردند.

## اقسام فرار:

فرار اقسام مختلفی دارد. از جمله فرار صرعی، فرار هیستریک، فرار فراموشی و فرار معمولی، که در این پژوهش فرار معمولی مورد نظر بوده است. در فرار صرعی: بیمار ممکن است دست به جنایت یا قتل بزند و بعد از اتمام آنها را فراموش کند. در فرار عادی کاملاً بر فعالیتهای خود، چه قبل و چه بعد از فرار آگاهی دارد «بیرجندی، ۱۳۴۶ص ۱۴۳»

به عقیده راندوشستروم میل به فرار از زیر بار فشارهای خانوادگی و اجتماعی و پناه بردن به محیطی که نیازهای نوجوان در آن بهتر صورت پذیرفته و مورد توجه قرار گیرد همیشه در فکر نوجوانان وجود دارد. در این دوره تمایل به عضویت در گروههای اجتماعی به اوج می‌رسد «راندوشستروم، ۱۳۵۶ص ۲۳۵»

نوجوان می‌خواهد از سیطره خانواده آزاد بوده تا فردیت و استقلال خود را احساس کند. «شاری نژاد، ۱۳۶۴ص ۶۴»

قائمی امیری در کتاب خود تحت عنوان آسیبها و عوارض اجتماعی، پیرامون علل فرار چنین می‌نویسد: «فرار از جمله پدیده‌هایی است که عوامل مختلفی می‌تواند سبب آن گردد.

تحقیقات انجام شده در کنورهای مختلف هر یک به بخشی از عوامل مؤثر در بروز فرار اشاره دانسته‌اند که در اینجا به تناسب امکانات به تعدادی از آنها، اشاره می‌شود:

۱ - وجود شرایط تنبیه و اذیت و آزار کودک و طاقت‌فرسا بودن محیط خانه

۲ - فرار به علت انتقام گرفتن از والدین

۳ - از هم گسیختگی خانواده و نبودن سرپرست در خانه

۴ - فرار به منظور جلب توجه دیگران

۵ - وجود نامادری یا ناپدیری در خانه

۶ - تبعیض در خانه

۷ - دوستان ناباب و مشکل دار

۸ - آموزشهای نادرست «بالاخص فیلم‌های نیمایی و ویدئویی مبتذل»

۹ - ریسک و ماجراجویی و انجام کارهای متهورانه

علل فرار:

۱ - فقدان یکی یا هر دو والدین:

فقدان والدین هم برای فرار و هم برای اجتماع عواقب وخیمی را به دنبال دارد. اکثر محققین آن را یکی از مهمترین علل ولگردی، عقب‌ماندگی درسی و تمایل به بزهکاری ذکر کرده‌اند. «صاحب الزمانی، ۱۳۴۷ص ۲۱۳» یکی از روانشناسان آلمانی در تحقیقی نشان داد که ۴۰ درصد کودکانیکه در مدرسه مردود شده‌اند اطفال محروم از پدر و ۳۰ درصد بی‌مادر بوده‌اند.

تحقیق دیگری در آلمان نشان می‌دهد که از میان ۲۷۰۴ تبهکار نوجوان بیش از ۴۳ درصد از داشتن یکی از والدین محروم بوده‌اند. تحقیقات انجام شده در آمریکا نیز این موضوع را مورد تأیید قرار داده است. در تحقیقی که در مورد دخترانیکه در دارالتادیب نگهداری می‌شوند انجام شده نشان داده است که ۷۰ درصد آنان از یک طرف یا دو طرف یعنی هم از مادر و هم از پدر محروم بوده‌اند. «صاحب الزمانی، ۱۳۴۷ص ۲۱۷»

## ۲ - جدایی و طلاق

جدایی و طلاق یکی از عوامل مهم ایجاد نابسامانی در روح کودک و نوجوان به حساب آمده و گاهی وی را بر انجام کارهای سخت و نادرست توانا می‌سازد. تحقیقات فراوانی این مطالب را تأیید نموده که بسیاری از بزهکاران نوجوان و مجرمین مسن‌تر از خانواده‌های کمتر در اثر طلاق به جامعه تحویل داده شده‌اند و محصول مستقیم طلاق به حساب می‌آیند. فحشاء، تکدی، پرخاشگری، ناسازگاری، توقف یا ایست تحصیلی، مشکلات متعدد شخصیتی، بیماریهای عصبی و روانی و هزاران آسیب اجتماعی دیگر در کنار سایر عوامل مربوط می‌شود «کیهان، ۱۳۰۹ ص ۴۰».

یک پژوهش در کانون اصلاح و تربیت مشهد نشان می‌دهد که ۲۶ نفر از آنان متعلق به خانواده‌هایی بوده‌اند که در آنان طلاق رخ داده است.

«احمدی، ۱۳۶۱ ص ۸۶»

گریف می‌نویسد: «اگر پدر فوت کرده باشد عاطفه مادر می‌تواند تا حدی آن را جبران نماید ولی طلاق وضع دیگری پیدا می‌کند، زیرا اکثراً با مشکلات فراوانی نظیر زدوخورد، منازعه و کشمکشهای پدر و مادر و عدم توافقه‌های آنها روبروست و یا گرفتار خصومت نامادری است. «جگسون، ۱۹۵۷ ص ۱۶۳»

دکتر خزائی در کتاب خود تحت عنوان بزهکاری اطفال چنین می‌نویسد: «در کشور فرانسه هر ساله نزدیک به ۲۵۰۰ ولگرد کمتر از ۱۸ سال نزد قاضی فرستاده می‌شوند تا تحت اقدامات تربیتی و حمایتی قرار گیرند. این افراد که اغلب از خانواده جدا شده‌اند فرار اختیار کرده‌اند. ضمن ولگردی غالباً به فحشاء و پسرها به روابط جنسی مردانه می‌پردازند. حمایت از



این قبیل اطفال و پیشگیری از سقوط آنان در دامهای تبهکاری نیز امروزه شدیداً مورد توجه متخصصین می‌باشد «خزائی، ۱۳۷۳ ص ۲۱».

فرار به مبناء انتقام از والدین: بچه‌ها اصولاً دوست دارند در برابر اعمال ناشایست و یا زندگی ناسازگارانه‌ای که دارند، دست به تلافی بزنند و با افکار محدود خود این تلافی را به شکل فرار ظاهر می‌کنند. برخی از این افراد برای انجام مقصود خویش ماهها اقدام به جمع‌آوری پول توجیبی خود کرده و حتی در بعضی موارد اشیاء قیمتی را از خانه ربوده تا بتوانند با فروش آن پولی را بدست آورده و دیگر محتاج والدین نباشد، اینها اکثراً در روزهای اول فرار با دست و دلبازی فراوان پولهایی را که همراه دارند خرج می‌کنند.

لیکن پس از گذشت چند روزی که پولشان ته کشید تازه به فکر می‌افتند که چه کنند؟

و این مرحله حساسترین مرحله گریز آنها از خانه و کاشانه می‌باشد. متأسفانه، تعداد زیادی از والدین به علت بی‌اطلاعی و نادانی با فرزند خود بدرفتاری می‌کنند و موجب می‌شوند که ناراحتیها و غمهای آشکار و پنهان کودک آنها جانشان را بخورد و بعید نیست بعدها هم به صورت عقده‌های گوناگون که در مسیر کودک و نوجوان نقش بسته به اشکال دیگر تجلی کند.

عدم درک صحیص والدین از موفقیت خاص نوجوانان، عدم درک صحیح والدین از موقعیت خاص نوجوانان و سوءبرخورد آنان با نوجوانان نیز می‌تواند مشکلاتی را بوجود آورد. زیرا والدین به شرایط خاص نوجوانان که نیازمند کسب تجربه و استقلال می‌باشد، توجه نداشته با دخالت‌های بی‌مورد و بی‌جا، روح او را آزار نموده و سبب بروز طغیان و سرکشی در وی می‌گردند. اگر پدر و مادر این واقعیت روحی و روانی را درک نکنند که آنرا پدیده‌ای غیر طبیعی به شمار آورند و اجازه ندهند تا نوجوان این مرحله را پشت سر گذارند، فاصله بین دو نسل هر روز عمیق‌تر شده تا جاییکه پدر و فرزند قادر به تحمل یکدیگر نخواهند بود و

عاقبت می‌توانند سبب فرار نوجوان از خانه گردد. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که ۸۲ درصد نوجوانان مورد مصاحبه قادر نبوده‌اند مسائل و مشکلات خود را با والدین خود در میان گذارند. «ملک آبادی. ۱۳۵۵ ص ۸۱».

در یک نظرخواهی که از نوجوانان سطوح راهنمایی و دبیرستان به عمل آمده است این سؤال مطرح شد که در برخورد با مسائل و مشکلات مایلند آنرا با چه کسانی در میان گذارند؟ دوست، معلم، والدین و . . . متأسفانه تنها ۲۳ درصد پاسخ‌دهندگان والدین را انتخاب کرده، آنها را محرم اسرار خویش دانسته‌اند، این پاسخ ضعیف حاکی از آن است که والدین نتوانسته‌اند رابطه عاطفی سالمی با فرزندان خود برقرار نمایند. «سعیدی، ۱۳۷۱ ص ۴۳».

### وجود ناپدیری یا نامادری:

وجود نامادری و برخورد غرض‌آلود و آکنده از تبعیض او با فرزندان شوهر نیز می‌تواند محیط خانه را به محیطی ناامن برای زندگی نوجوان تبدیل نماید. تحت چنین شرایطی وقتی که تحمل آن از عهده نوجوانان خارج می‌گردد، فرار را بر قرار در آن خانه ناامن ترجیح می‌دهند. نامادریها غالباً به محض تولد اولین فرزند خود با فرزندخوانده‌ها از در ناسازگاری در می‌آیند و از آنها بهانه‌های عجیب و غریب می‌گیرند. آنها را به بداخلاقی و انحرافاتیکه اکثراً زاییده فکر و اندیشه خودشان است متهم می‌کنند. در این مرحله هنگامی که نوجوان با بی‌مهری و کج خلقی نامادری مواجه می‌شود، به تدریج مقاومت و تحمل خود را از دست داده و ناگزیر از خانه فرار می‌کند. «مکتب مام، شماره ۸۶ ص ۵».

## فقر عاطفی

یکی از عوامل مهم ترک خانواده محسوب می‌شود. اگر خانه که باید محل امنی برای تأمین نیازهای عاطفی کودک و نوجوان باشد به محیطی عاری از محبت و عواطف مبدل شود طبیعی است که نوجوان حساس و زودرنج‌تر شده و در جستجوی محبت پا را از خانه بیرون گذاشته و در میان گروه‌های هم سن و سال یا دسته‌جات خلافکار وارد شود. تجارب تلخی برایش فراهم می‌سازد می‌گریزد و از اینکه خود را شریک یا عضوی از آن گروه بداند روی برمی‌گرداند. زیرا توان همسازی رفتار خود با آنان را ندارد.

سیروس ایزدی به تحقیقی که پیرامون علل فرار نوجوانان در کانون اصلاح و تربیت کرج به انجام رسانیده‌اند اشاره نوجوانان احساس طرد شدگی می‌کند. محیط طوری است که نیازها و عواطف او را که برای رشد شخصیت‌اش لازم و ضروری است مانند استقلال، قبول شدن و یافتن محلی برای تخلیه هیجانات را نادیده گرفته و می‌کوشد او را در سطح یک کودک نگهدارد نوجوان ترجیح می‌دهد که از خانه فرار نماید، «ایزدی، ۱۳۵۵ ص ۱۳».

نقش محبت و تأثیر خانواده به خصوص در سالهای اولیه رشد کودک انکارناپذیر است. کودکانیکه از مراقبت و نوازش مادر محروم بوده و در پرورشگاهها نگهداری می‌شوند، رشد عادی آنان دچار اختلال شده و حتی برخی از صاحب‌نظران اعتقاد دارند که بر رشد ذهنی و هوشی آنان نیز تأثیر منفی گذارد. کودکان برای رشد متعادل جنسی و روانی و اجتماعی نیاز مبرمی به آرامش و امنیت و محبت در خانواده دارند. الاین ایدر می‌گوید: «ما فرصت پیدا نمی‌کنیم تا به حرف فرزندان و نوجوانان خود توجه کنیم».

بنابر گزارش وزارت دادگستری تنها در سال ۱۹۸۸ میلادی، ۱۲۷ کودک و نوجوان توسط والدین به زور از خانه اخراج شده‌اند که این مسأله حاکی از سردی روابط خانوادگی و نابودی پیوندهای عاطفی در آن می‌باشد. «اطلاعات، ۱۳۶۹ ص ۳». تحقیقات نگارنده نیز این مطلب را

تأیید کرده است به عنوان مثال نوجوانی اظهار داشت: «پدر و مادرم همیشه مرا مورد شماتت قرار می‌داده‌اند و می‌گفتند اگر تو به دنیا نمی‌آمدی وضع ما خیلی بهتر بود، اصلاً تو بد قدم بودی، حتی در مواردی گفته بودند تو اصلاً بچه‌ ما نیستی، از اینجا برو و من هم در یک فرصت مناسب از خانه فرار کردم».

گاهی نیز علت فرار، تنهایی یا احساس تنهایی بیش از حد نوجوان در خانه است. نوجوان احساس می‌کند شدیداً تنهاست و کسی از اعضای خانواده با وی تماس عاطفی ندارد و مورد توجه و محبت قرار نمی‌گیرد. تحقیقات نشان داده است که احتمال بروز بزهکاری نوجوانان در خانواده‌هایی که خصومت متقابل، بی‌اعتنایی و بی‌احساسی وجود دارد حتی از خانواده‌های از هم پاشیده بیشتر است «ماسن، ۱۹۸۱ ص ۲۱۲».

### شکست تحصیلی و نگرانی از سرزنش یا تنبیه والدین:

شکست تحصیلی و نگرانی از سرزنش یا تنبیه والدین یکی دیگر از عوامل فرار از خانه محسوب می‌شود. آمار نشان می‌دهد که گریز از خانه در ماههای خرداد تا شهریور به شدت افزایش پیدا می‌کند. به طوریکه در روزهای عادی هر روز ۳ نفر و در روزهای امتحان و اعلام نتیجه هر روز ۵ نفر کودک و نوجوان از خانه فرار می‌کنند. این آمار در اواخر شهریور ماه و در اوایل مهر که نتایج امتحانات تجدیدی تحصیلی را مشخص می‌کنند از ۵ نفر در روز نیز تجاوز می‌کند، که این امر می‌تواند رابطه فرار با شکست تحصیلی را مشخص نماید. این بحران گاهی آنقدر شدید رخ می‌نماید که ممکن است نوجوان تحت شرایطی خاص پس از فرار از خانه اقدام به خودکشی نماید «کیهان». تحقیقات در امریکا نشان می‌دهد که ۹۵ درصد ۱۷ سالگان فراری و بزهکار در اثر شکست تحصیلی مدرسه را ترک کرده بودند

«صفوی، ۱۳۶۴ ص ۱۴۶».

تحقیقات انجام شده در کانون اصلاح و تربیت مشهد نیز ارتباط بین فرار و شکست تحصیلی را مورد تأیید قرار داده است «علوی، ۱۳۶۱ص ۲۱۱».

در تحقیقی که پیرامون علل انحراف اخلاقی و فرار دختران بوسیله انجمن اولیاء و مربیان انجام گرفته است نشان می‌دهد که ۳۰ درصد افراد مورد پژوهش علت اصلی فرار خود را شکست تحصیلی قید نموده‌اند «فراهانی، ۱۳۶۵ص ۲۱۰».

اطلاعات بدست آمده نشان می‌دهد که ۹۰ درصد نوجوانان فراری قبل از اقدام به فرار مدرسه را ترک نموده و به دیگر سخن، ترک تحصیل نموده‌اند. حدوداً ۹۰ درصد، به کرات از مدرسه بدون عذر موجه گریخته‌اند.

### سخت‌گیری و وجود شرایط تنبیه:

سخت‌گیری و وجود شرایط تنبیه عامل دیگری در بروز پدیده فرار است: تحقیقات مکرر کوک نشان می‌دهد که کودکانیکه در خانواده‌های معمولی و سخت‌گیر تربیت یافته‌اند امکان بیشتری برای انحراف آنان وجود دارد، همین تحقیق درصد افراد پرورش یافته در خانواده‌های سخت‌گیر را ۲۶/۷ درصد و در خانواده‌های معمولی ۱۵/۸ درصد ذکر کرده است. شلدوون و الینور گلوک در تحقیقات خود نشان داده‌اند که سخت‌گیری و فشار بیش از حد والدین خصوصاً پدر یکی از عوامل مهم فرار از خانه محسوب می‌شود. در این شرایط تنها عده معدودی از نوجوانان ارتباط خود را با خانواده حفظ می‌کنند

«مهران، ۱۳۵۴ص ۲۱۷».

دکتر تیم انداز در مقاله‌ای که در مجله دانشکده بچاپ رسیده اظهار می‌دارد: « والدینی که به فرزندان خود آزادی بدون قید و شرط می‌دهند، همانطور دچار مشکلات می‌شوند که والدین سخت‌گیر زیرا اغلب فرزندان آنها خودخواه، نظم‌ناپذیر، و بی‌توجه بار می‌آیند به قول

هاروکس، ریشه هر نوع انحراف و بزهکاری نوجوانان را باید در خلال اطلاعات ناقص یا سختگیریهای بیجا و غیرمنطقی بزرگسالان جستجو کرد. البته نباید تصور کرد که مفهوم ضمنی آن لجام گسیختگی و لاقیدی نوجوان است. بلکه توجه کردن به زندگی نوجوان در حقیقت نوعی احترام گذاردن به نیازهای منطقی و پذیرفتن خواسته‌ها و تفریحات مشروع آنان می‌باشد «شایو ریان، ۱۳۷۸ ص ۹۴».

بنابر گزارش وزارت دادگستری امریکا تنها در سال ۱۹۸۸ میلادی، ۴۵ هزار تن به علت «سختی زندگی» از خانه فرار کرده‌اند. زیرا تقریباً ۱۰۰ درصد نوجوانان فراری نیز آنها به زنجیر بسته و ساعتها در زیر زمین خانه حبس نموده‌اند و همین فشارهای جسمانی و روانی بوده که فکر فرار از خانه را در ذهن و مخیله آنها بروز کرده است و آنرا در فرصتی مناسب عملی ساخته‌اند.

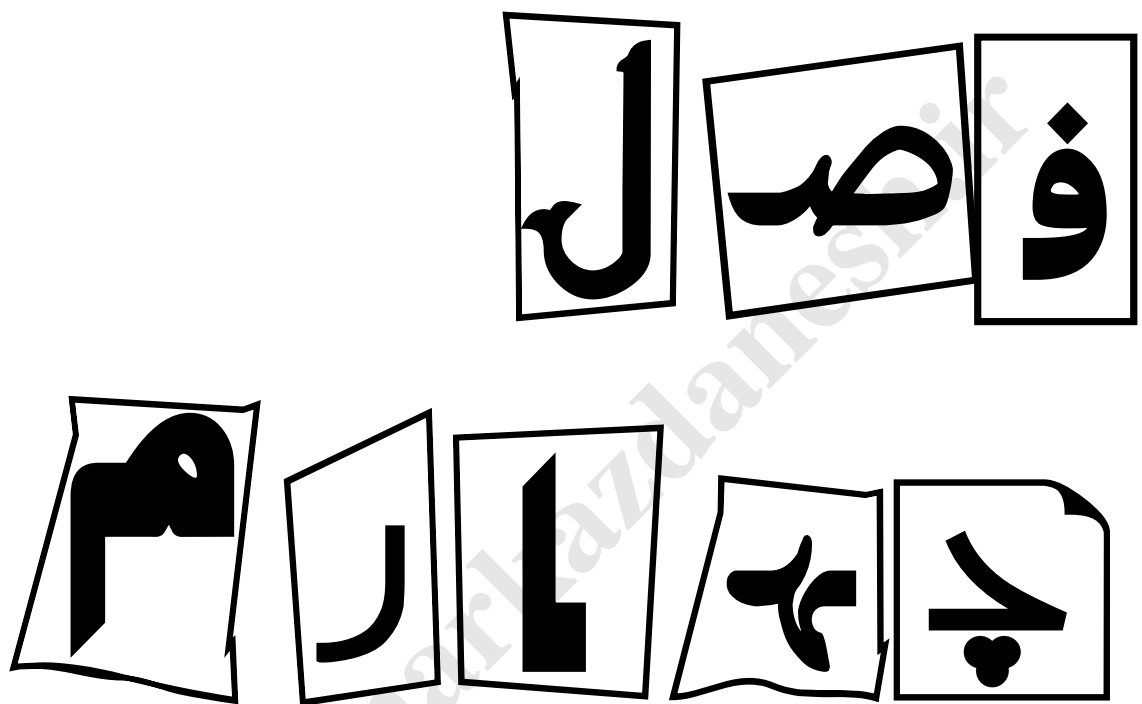
فقر اقتصادی نیز عاملی مهم و زمینه‌ساز پدیده فرار بوده است. فقر اقتصادی یکی از عوامل زمینه‌ساز در بروز پدیده «فرار» به حساب می‌آید و وجود فقر طبیعتاً کج خلقی والدین و آسیب‌پذیری آنان را به دنبال دارد و همین امر سبب می‌شود تا نوجوان حساس و زودرنج را در جستجوی کار به بیرون از خانه و گاهی شهر و دیار راهی شهرهای بزرگ نماید.

بعلاوه والدین نیز در تذمین معاش خویش تن به کارهای سخت و طاقت‌فرسا داده و شبانگاه که خسته و کوفته به خانه باز می‌گردند. در برابر تمینات کودکان خود با خشونت و کتک‌کاری آنها را ساکت می‌کنند. این گونه افراد معمولاً برای بهره‌گیری از نیروی کار فرزندان تمایلی در فرستادن آنها به مدرسه نیز از خودشان نشان نمی‌دهند و همین امر آنها را در مسیر فرار از خانه و ارتکاب جرم قرار می‌دهد.

## تمایل به دیدن نقاط دیدنی:

تحت تأثیر فیلمهای سینماییو ماجراجویی جوانان، قصه‌ها و ماجراهای جسورانه به تقلید از قهرمانان فیلم یا قصد فی‌المثل برای بدست آوردن گنج یا زندگی مطلوب، خانه و کاشانه خود را ترک می‌کنند اکثراً با گروهی از دوستان هم سن و سال اقدام به اینکار می‌کنند و پس از مدتی غلط‌بودن محاسبات خود را به تجربه دریافته و سرافکنده و پشیمان نزد والدین خود باز می‌گردند.

www.markazdanesh.ir





## فصل چهارم : نحوه ارائه خدمات به دختران فراری

### نحوه ارائه خدمات در ایران به افرادی که از خانه فرار می کنند:

در ایران، ارائه خدمات به این افراد توسط چند ارگان انجامی می شود از جمله سازمان بهزیستی کشور و شهرداری، سازمان بهزیستی در قالب طرح بازپروری زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی طرح «مداخله در بحران» و طرح «خانه سلامت» بر ارائه خدمات می پردازد. البته درصدی از مددجویان مراکز کودکان خیابانی سازمان بهزیستی و خانه های سبز و ریحانه شهرداری، شامل کودکان و نوجوانان فراری هم می شود. چون موضوع تحقیق در مورد مراکز نگهداری دختران فراری است فقط به توصیف طرح های مربوط به زنان و دختران در معرض آسیب و یا آسیب دیده اجتماعی می پردازیم.

### مرکز بازپروری زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی:

به استناد ماده واحده لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب مورخ ۱۳۵۹/۳/۲۴ شورای انقلاب با الحاق اصلاحیه ۲۴ مرداد ماه ۱۳۵۹ و اصلاحات و الحاقات به عمل آمده در جلسه ۱۳۷۵/۱۱/۱۹ مجلس شورای اسلامی، در خصوص تجدید تربیت منحرفین اجتماعی «آسیب دیدگان اجتماعی» و نظر بر اجرای نهاد آئین نامه اجرائی مصوب هیأت محترم وزیران به شماره ۶۰۶۱۵/ت/۸۵ هـ مورخ ۷۱/۳/۳ در رابطه با دختران و زنان در معرض آسیب اجتماعی حاد و زنان آسیب دیده اجتماعی مسئولیت بازپروری به منظور اصلاح، بازتوانی بازگشت به زندگی سالم اجتماعی به سازمان بهزیستی واگذار گردید که در سازمان با عنایت به کمبود اعتبار، کمبود نیروی متخصص، عدم تجهیزات و نداشتن ساختمان مناسب و مطابق استاندارد جهت بازپروری نهایت سعی و تلاش را در این امر بکار می برد.

مراکز حمایت و بازپروری دختران آسیب‌دیده اجتماعی به مراکز اطلاق می‌شود که طبق وظایف قانونی محوله، این افراد را نگهداری و یا به صورت شبانه‌روزی تحت پوشش داشته و از طریق ارائه خدماتی نظیر مددکاری اجتماعی، روانشناسی، آموزشهای فنی و حرفه‌ای و فرهنگی زمینه‌ی بازگشت آنان به زندگی سالم را از طریق پیوند مجدد با خانواده آموزش و ایجاد اشتغال و کسب درآمد مشروع، ازدواج و تشکیل خانواده فراهم آورده و در تأمین حداقل نیازهای اقتصادی و حل و فصل مسائل و مشکلات یاری می‌نماید.

### خانه سلامت:

مقدمه: برای اینکه انسانها بتوانند در جامعه، زندگی سلمی داشته باشند و فرصت لازم برای رشد طبیعی را بدست آورده، بتوانند توان و استعدادها را بلقوه خویش را بالفعل ساخته و از گزند هر نوع آسیب در امان بمانند باید بتوانند از مواهب اجتماعی و اقتصادی موجود در جامعه استفاده کنند حال اگر به هر دلیل، چه فردی، خانوادگی، فرهنگی و اقتصادی عده‌ای از افراد جامعه از جمله زنان و دختران را از حضور در صحنه اجتماعی، تعلیم و تربیت و فعالیتهای اقتصادی و غیره مانع شوند طبعاً فرصتی برای آسیب بیشتر آنان فراهم خواهد شد.

بنابراین رفته امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، به منظور نگهداری و حمایت از دختران نیازمند حمایت‌های اجتماعی تا زمان استقلال و خودکفایی فردی و اجتماعی آنان اقدام به ایجاد خانه‌های سلامت برای دختران نموده است.

خانه سلامت به مراکزی اطلاق می‌شود که طبق وظایف قانونی محوله، دختران در معرض آسیب اجتماعی و فاقد حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی را تحت پوشش قرار داده و از طریق ارائه خدمات زمینه‌های کسب استقلال اقتصادی و اجتماعی را فراهم آورده و در تأمین حداقل نیازهای اقتصادی و جلوگیری از ابتلاء به آسیب‌های اجتماعی یاری می‌نماید.

دختران نیازمند حمایت اجتماعی به دخترانی اطلاق می‌شود که به دلایلی چون فقدان حمایت خانوادگی مؤثر یا وجود سوءرفتار در محیط خانوادگی به طور موقت آمادگی و درایت اجتماعی و روانی لازم را از دست داد و به دلیل عدم توان اجتماعی - اقتصادی لازم برای زندگی مستقل، در معرض خطر آسیب اجتماعی قرار دارند.

## اهداف:

(۱) حمایت و نگهداری از دختران نیازمند حمایت‌های اجتماعی که مشکلات اخلاقی نداشته و نیازمند خدمات بازپروری نیستند.

(۲) فراهم نمودن زمینه‌های تحصیلی، اشتغال، خودکفائی و استقلال این افراد.

(۳) شناخت استعدادها و توانمندیهای دختران و هدایت آنان بسوی استفاده از این توانمندی‌ها.

(۴) جلوگیری از ابتلاء دختران به آسیب‌های اجتماعی.

شرایط پذیرش:

(۱) ایرانی بودن یا داشتن تابعیت جمهوری اسلامی ایران.

(۲) فوت والدین و یا فقدان حمایت خانوادگی مؤثر با ارائه مدارک لازم و قانونی.

(۳) زندانی بودن یکی از والدین با تأیید مقامات قضائی یا انتظامی و عدم صلاحیت آنها بنابر تشخیص کمیته امور آسیب‌دیدگان اجتماعی استان.

(۴) بیماری یا فقدان توانمندی جسمانی یا روانی والدین یا سرپرست قانونی با تأیید اداره پزشکی قانونی.

(۵) عدم شناسایی و دسترسی به والدین یا بستگان به تأیید مقامات قضائی.

۶) عدم صلاحیت والدین به تأیید مقامات قضائی یا تشخیص کمیته امور آسیب‌دیدگان اجتماعی استان.

۷) داشتن گواهی پزشکی قانونی مبتنی بر باکره بودن دختر.

۸) نداشتن سوءپیشینه کیفری.

### نحوه پذیرش:

به منظور ایجاد هماهنگی در امر پذیرش‌های، خانه سلامت توسط کمیته امور آسیب‌دیدگان اجتماعی استان انجام خواهد گرفت. از ابتدای شروع فعالیتها باید کوشش در زمینه فراهم آوردن امکانات بازگشت دختر به خانواده و یا بستگان و یا سایر روشهای ترخیص به منظور کوتاه نمودن زمان زندگی، مورد نظر باشد.

### کمیته امور آسیب‌دیدگان اجتماعی استان:

متشکل از معاونت امور اجتماعی، کارشناس امور آسیب‌دیدگان اجتماعی، کارشناس امور حقوقی، مددکار اجتماعی و روانشناس است که به منظور ایجاد هماهنگی بر جریان کار، نظارت مستقیم دارد.

مدت زمان حمایت مالی از دختران در خانه سلامت حداکثر ۷۶ ماه می‌باشد و ظرف این مدت، کمیته تمور آسیب‌دیدگان اجتماعی استان موظف به تأمین شغل و فراهم آوردن زمینه استقلال مالی دختران می‌باشد به استثنای زمانی که دختران خانه سلامتی، با تأیید کمیته امور آسیب‌دیدگان اجتماعی، توانایی لازم را برای ادامه تحصیل در مقاطع مختلف تحصیلی و دانشگاهی را دارا باشند در اینصورت تا پایان سال اشتغال یا تحصیل باید از حمایت‌های اقتصادی - اجتماعی لازم برخوردار باشند.

در این مرکز، زمینه‌های فراگیری آموزشهای فنی و حرفه‌ای، اشتغال و استقلال این دختران، باید فراهم گردد. همچنین تدوین برنامه اوقات فراغت باید به گونه‌ای باشد که موجب آشنایی هر چه بیشتر این دختران با ارزشها، آداب و رسوم و فرهنگ جامعه شود.

موارد انضباطی، توسط تیم مرکز و «مسئول مرکز، مددکار اجتماعی و روانشناس» مورد بررسی قرار گرفته و کلیه موارد و تصمیم‌ها در فرم صورتجلسه بایستی مکتوب گردد.

### روشهای ترخیص:

روشهای ترخیص عبارتند از:

(۱) تحویل به خانواده یا بستگان نسبی و سببی.

(۲) زندگی مستقل با حفظ شرایط قانونی.

(۳) ازدواج.

(۴) ادامه تحصیل.

شرایط و مراحل ترخیص و تحویل به خانواده یا بستگان:

(۱) شناسایی خانواده یا بستگان نسبی و سببی با استفاده از مدارک قانونی یا از طریق مراجع ذیصلاح.

(۲) تأیید وضعیت کلی تحویل گیرندگان توسط کمیته امور آسیب‌دیدگان اجتماعی استان و در موارد خاص تأیید از مقامات ذیصلاح قضائی الزامی است.

(۳) ارائه راهنمایی‌های لازم به تحویل گیرنده در مورد خصوصیات اخلاقی دختر.

(۴) ارائه اطلاعات بهداشتی و پزشکی دختر به فرد تحویل گیرنده.

۵) تهیه گزارشات لازم توسط مددکار اجتماعی به استناد بازدید منزل و تحقیقات انجام شده.

۶) ارائه خدمات اقتصادی و اجتماعی با استفاده از موارد دستورالعمل.

۷) گزارشات جامع اقدامات انجام شده به کمیته امور آسیب دیدگان سازمان بهزیستی کشور.

۸) تنظیم صورتجلسه ترخیص توسط اعضای کمیته امور آسیب دیدگان اجتماعی استان.

### شرایط و مراحل زندگی مستقل:

۱) ارائه راهنمایی های لازم به دختران در زمینه اشتغال و انتخاب محل سکونت.

۲) ارائه راهنمایی های لازم به منظور رعایت قوانین و مقررات، عرف و عادات موجود در جامعه و توجه به احکام اسلامی.

۳) فراهم آوردن زمینه روانی - اجتماعی مناسب برای پذیرش موقعیت جدید اجتماعی.

۴) تهیه گزارش های لازم توسط مددکار اجتماعی به استناد بازدیدها و پیگیری های انجام شده.

۵) توصیه دختران در مورد اینکه خروج از خانه سلامت بر فراز قطع نظارت بر زندگی آنها نبوده و تا هنگام ازدواج، رفتار و سلوک اجتماعی آنان تحت نظارت سازمان بوده و بعداً نیز به عنوان مشاور و حامی در اختیار آنان خواهد بود.

۶) تکمیل صورتجلسه ترخیص توسط اعضای کمیته امور آسیب دیدگان اجتماعی استان و اعلام اقدامات انجام شده به دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور.

شرایط ترخیص از طریق ازدواج:

۱) فراهم آوردن زمینه مساعد به منظور تسهیل در امر ازدواج دختران، با توجه به مسائل و ضوابط شرعی.

۲) ارائه راهنمایی‌های لازم و کمک به دختران، جهت انتخاب همسر مناسب.

۳) بررسی موقعیت اجتماعی و اخلاقی خواستگار توسط مددکار اجتماعی و ارائه گزارشهای لازم.

۴) طی کردن دوره آموزشهای مهارتی زندگی زناشویی.

۵) توجیه خواستگار و والدین وی از موقعیت فردی و اجتماعی فرد در جهت تحکیم خانواده‌ها.

۶) ترتیب دیدار طرفین ازدواج و توجه به اصول مذهبی اخلاقی و عرف جامعه و رعایت اثرات روانی و عاطفی فردی و جمعی.

۷) ارائه راهنمایی‌های لازم به دختر، جهت پذیرش موقعیت جدید و رعایت شئون و روابط خانوادگی با توجه به عرف جامعه و ایجاد تفاهم و جلوگیری از بروز اختلافات خانوادگی.

۸) مشارکت در برگزاری مراسم ازدواج و رعایت آداب و رسوم متناسب با شئون طرفین.

۹) تکمیل صورتجلسه ترخیص توسط اعضاء کمیته امور آسیب‌دیدگان اجتماعی استان و اعلام اقدامات انجام شده به دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی.

#### شرایط ترخیص از طریق ادامه تحصیل:

۱) ارزیابی توانایی‌ها و استعدادها توسط روانشناس و مددکار اجتماعی.

۲) فراهم نمودن زمینه هدایت تحصیلی مناسب.

۳) تأیید کمیته امور آسیب‌دیدگان اجتماعی.

۴) پذیرش در مراکز آموزشی و دانشگاهی و اطلاع از وضعیت تحصیلی و ارئه گزارشها و انعکاس آن در پرونده تحصیلی.

۵) در مورد دخترانی که در مراکز دانشگاهی غیر دولتی پذیرفته می شوند کمیته از محل بودجه حمایت از دانشجویان هزینه های مربوط به تحصیل را پرداخت می نماید.

۶) دختران تا زمانیکه شاغل به تحصیل هستند می توانند از خدمات حمایتی، روانی اجتماعی و اقتصادی، برخوردار باشند کمیته امور آسیب دیدگان اجتماعی، موظف بر تنظیم برنامه ترخیص دقیق بوده که امکان بازگشت مجدد دختران به حداقل برسد.

### بحث و نتیجه گیری تحقیق

خانواده به عنوان کوچکترین نهاد اجتماعی، هسته اصلی جامعه و پایه و مبنای هر جامعه بزرگ بوده و از مهمترین نهادهای اجتماعی جامعه انسانی به شمار می رود. بدنبال تحولات و تغییرات رو به رشدی که در جوامع بشری بوجود آمد نهاد خانواده هم از این تحولات بی نصیب نماند و در بسیاری از موارد تغییرات شگرفی را در ساختار خود پذیرفت. روند این تغییر با صنعتی شدن جوامع شدت گرفته و در پاره ای از موارد چنان شتابان پیشرفت که زوال برخی نهادها و سازمانهای اجتماعی را در پی داشته است و از آنجا که پدیده فرار دختران از منزل خود حاصل تعامل عوامل متعددی در سطح خانواده، مدرسه و جامعه است زنگ خطری محسوب میشود که نشان دهنده مدیریت نامناسب در این سطوح می باشد. عوامل مشاهده شده در پژوهش ها ۰۰ ی مختلف عمدتاً یک فرضیه را مطرح می کند و آن اینکه نا امنی یا احساس نا امنی در خانواده عامل مشترک در فرار دختران از خانه به خیابان یا به سایر مکانهای نا مناسب است.



اگر در خانواده زمینه های هم صحبت شدن با دختران نوجوان در این دوره حساس وجود داشته باشد که البته در اکثریت خانواده های جامعه ما وجود دارد ، اگر والدین صبر و تحمل لازم برای شنیدن حرفهای جدید دختران نوجوان را داشته باشند . اگر تداوم فرهنگ مرد سالاری ، مرد محوری ، در خانواده فرصت بدهد که زنان خانواده به ویژه دختران نوجوان به عنوان یک عضو خانواده سئوالاتشان را در فضای خانه و بدون ترس از تنبیه شدن مطرح کنند آنگاه شاهد افزایش فرار دختران از خانواده نخواهیم بود .

### در نهایت راهکارهایی در زمینه کاهش پدیده فرار دختران از خانه به شرح زیر پیشنهاد می گردد:

- ۱- فرزندان از کودکی پایبند به اصول و اعتقادات مذهبی تربیت شوند .
- ۲- ملزم کردن والدین از طریق قانونی برای شرکت اجباری در یک دوره مددکاری و مشاوره برای فراگیری چگونگی تعامل با نوجوانان بالای ۱۲ سال.
- ۳- آموزش به خانواده ها و والدین درخصوص نحوه برخورد و ارتباط با فرزندان از طریق برگزاری نشست ها، مصاحبه ها و اطلاع رسانی از طریق رسانه های ارتباط جمعی .
- ۴- شیوه های رفتاری مطلوب و کارساز منطبق باتجددگرایی امروزی را بادر نظر گرفتن تعالیم جان افزای الهی و دینی و اولیای دین و مفاخر جامعه برای دست اندرکاران در امر تربیت جوانان و نوجوانان مورد آموزش قرار گیرد.
- ۵- توجه و رسیدگی بیشتر به نهاد خانواده و سعی در رفع مشکلات مختلف فرهنگی، اقتصادی و تربیتی آن.
- ۶- بکارگیری تمهیدات لازم جهت پیشگیری و کاهش نرخ طلاق از طریق تقویت مراکز مشاوره و ارائه کلاس های آموزش حقوق و تکالیف زوجین قبل از انعقاد عقد رسمی.

۷- تهیه و نمایش فیلم های آموزشی درباره اثرات روشهای نادرست تربیتی (محدودیت های زیاد و آزادی زیاد، فاصله عاطفی و...) برای والدین.

۸- تقویت ارتباط میان والدین با مربیان و تعامل میان مدرسه و خانواده

۱۰- تقویت مراکز مشاوره مفید و کار آمد در مدارس و مناطق آموزش و پرورش

۱۱- انجام تست های سلامت سنجی روانی از دانش آموزان و شناسایی نوجوانان مستعد فرار از خانه و الزام مراقبت های مورد نیاز برای آنان.

۱۲- ایجاد مراکز شبانه روزی برای نگهداری آنها بعد از فرار .

۱۳- اعمال مجازاتهای سنگین برای گردانندگان باند های فساد و فحشا .

نتایج پژوهشهایی که در خصوص دختران انجام شده است

نتایج یک پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی نشان داد: میزان افسردگی در دختران نوجوان بیشتر از پسران است. نصرت الله نوروزی در پایان نامه خود با موضوع ارتباط بین افسردگی، احساس تنهایی و باورهای غیرمنطقی در نوجوان و تفاوت های جنسی، آورده است: «میزان افسردگی در دوران نوجوانی از هر دوره سنی دیگر بیشتر است و طرف دیگر در دوران نوجوانی تفاوت های جنسی در ارتباط بین افسردگی و احساس تنهایی و باورهای غیرمنطقی خود را نشان می دهند، ولی چگونگی این تفاوت های جنسی سؤال برانگیز است.

بدین معنی که با وجود میزان افسردگی بیشتر دختران نسبت به پسران، دختران تنهاتر از پسران نیستند، همین طور با وجود همبسته بودن افسردگی و باورهای غیر منطقی، میزان باورهای غیرمنطقی در دختران بیشتر از پسران نیست. ولی با وجود اهمیت دوران نوجوانی، تحقیقات زیادی در این ارتباط در داخل کشور صورت نگرفته است. بنابراین با توجه به نکات فوق این سؤالات مطرح گشته اند که، در جامعه ایرانی از نظر میزان افسردگی و احساس تنهایی چه

تفاوت‌هایی بین نوجوانان دختر و پسر وجود دارد و آیا ارتباط بین افسردگی و احساس تنهایی در دختران و پسران نوجوان متفاوت است و یا اینکه باورهای منطقی تا چه حد در این تفاوت‌ها مؤثر می‌باشند.»

نتایج این پایان‌نامه که در سال ۱۳۷۷ با راهنمایی دکتر محمود ساعتچی در دانشگاه علامه طباطبائی تدوین شده، می‌افزاید: میزان افسردگی در نوجوانان دختر بیشتر و میزان تنهایی نیز در نوجوانان دختر بیشتر است. از نظر میزان باورهای غیرمنطقی در بین دو جنس تفاوتی وجود ندارد. همبستگی بین افسردگی و احساس تنهایی در نوجوانان دختر بیشتر از نوجوانان پسر است و همبستگی بین افسردگی و باورهای غیرمنطقی در دو جنس تفاوتی با هم ندارند.

در این پایان‌نامه برای بررسی این مسأله، فرضیات تحقیق عبارتند از:

- (۱) میزان افسردگی در نوجوانان پسر بیشتر از نوجوانان دختر است.
- (۲) از نظر میزان احساس تنهایی تفاوتی بین دختران و پسران نوجوان وجود ندارد.
- (۳) از نظر میزان باورهای غیرمنطقی تفاوتی بین دختران و پسران نوجوان وجود ندارد.
- (۴) همبستگی بین افسردگی و احساس تنهایی در نوجوانان پسر بیشتر از نوجوانان دختر است.
- (۵) همبستگی بین افسردگی و باورهای غیرمنطقی در نوجوانان پسر بیشتر از نوجوانان دختر است.

برای آزمون این فرضیه‌ها از بین جامعه آماری «دانش‌آموزان سالهای دوم و سوم دبیرستان شهرستان نکا» تعداد یک دبیرستان دخترانه و یک دبیرستان پسرانه و از هر دبیرستان تعداد ۵ کلاس انتخاب شدند که در مجموع ۱۱۷ پسر و ۱۲۶ دختر در تحقیق شرکت داشته‌اند و میانگین سنی پسران شرکت کننده در پژوهش برابر ۱۶/۸ سال است و میانگین سنی دختران برابر ۱۶/۳ سال است. اما پس از جمع‌آوری اطلاعات، نمرات آزمودنی‌ها از طریق برنامه

کامپیوتری مورد تجزیه و تحلیل کامپیوتری قرار گرفت و بر اساس نتایج حاصله فرضیه‌های اول و سوم تأیید شدند ولی فرضیه‌های دوم، چهارم و پنجم تحقیق رد شدند.

تبعیض جنسی در خانواده و جامعه می‌تواند منجر به مشکلات روانی «آرزوی مرگ، انزجار از جنس مذکر، پرخاشگری، افسردگی و غیره» و مشکلات اجتماعی «فرار از منزل، فساد و فحشا، تن به ازدواج اجباری و نامناسب، عدم پیشرفت تحصیلی و غیره» در دختران می‌شود. نتایج تحقیقات مشترک سرور پرویزی و لیلا جویباری دانشجوی دکتری پرستاری دانشگاه‌های علوم پزشکی گرگان و تهران که به بررسی تبعیض جنس «توصیف علل، عوارض» از دیدگاه دختران نوجوان پرداختند، می‌افزاید: توصیف دختران نوجوان از تبعیض جنس و علل و عوارض آن بیانگر آن است که تبعیض می‌تواند تمام ابعاد سلامت را تحت تأثیر قرار دهد. عمق آثار سوء تبعیض با توجه به اینکه دختران امروز، فردا نقش مادری، تربیت فرزند و مدیریت خانه را تجربه خواهند نمود بیشتر می‌شود.

فرهنگ‌سازی، توجه و رفع علل و عوامل زمینه‌ساز اقتصادی، اجتماعی با پیشگیری از تبعیض می‌تواند موجب شود به جای اندیشه خودکشی با نشاط و سالم زندگی کنند.

پژوهشگران در این مطالعه از پدیدارشناسی توصیفی برای کمک به درک تجارب زندگی پیرامون موضوع مورد پژوهش استفاده کردند.

مشارکت‌کنندگان در این پروژه ۲۶ دختر نوجوان با سنین ۱۴ تا ۲۶ ساله شاغل به تحصیل در یکی از مدارس راهنمایی ویژه بزرگسالان جنوب شهر تهران بوده‌اند که با نمونه‌گیری مبتنی بر هدف انتخاب شدند. همچنین داوطلبان دارای تجربه غنی در این زمینه بوده و در بحث گروهی و مصاحبه‌ای انفرادی باز و نیمه ساختار یافته شرکت جستند، مکالمات بر روی نوار ضبط صوت و سپس کلمه به کلمه دست‌نویس و مطابق شیوه کلاسی مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها نشان می‌دهد، از تحلیل دست‌نوشته‌ها، تم‌های زیر در مورد توصیف اشکال تبعیض جنس در خانواده و جامعه به دست آمد که شامل محدودیت «در امکانات رفت و آمد، خواب و استراحت، لباس و اشتغال، تفاوت چشمگیری در برخورداری از حمایت‌های مالی و غیره در خانواده و جامعه و تمایل جامعه به داشتن فرزند پسر، محبت بیشتر به پسران، توجه بیشتر به فرزند ذکور در میزان وجه روزانه، تغذیه، البسه و غیره» مورد بی‌احترامی واقع شدن «بی‌احترامی در خانه، جامعه و بی‌اعتمادی به آنان» و سوءاستفاده «تنبیه بدنی، استعمار در منزل و محل کار» و نداشتن قدرت انتخاب «حاکمیت پسران در منزل، عدم نظرخواهی در ازدواج و تحمیل شرایط و غیره» می‌باشد.

یافته‌های این تحقیق می‌افزاید: به نظر نوجوانان علل ایجاد تبعیض جنسی در خانواده و جامعه عبارتند از: باورهای فرهنگی «اقامت موقت در منزل پدری و ازدواج، هزینه تهیه جهیزیه، سربلندی و حفظ نام خانوادگی توسط پسران» مشکلات اجتماعی - اقتصادی «بیکاری، تورم، فقر و بیماری روانی والدین».

نتایج پژوهش دانشگاهی نشان داد که میزان اختلالات رشدی در دختران بیشتر از پسران است. نتایج پژوهش شیرین حسن‌پور کارشناس ارشد مامایی و مربی باعنوان «رشد کودکان تحت مراقبت در مراکز بهداشتی درمانی شهر تبریز در دو سال اول تولد در سال ۸۱» می‌افزاید: «۶۵ درصد کودکانی که دچار اختلالات رشدی بودند در ۲ سال اول تولد خود دچار بیماری‌های عفونی و اسهال شده بودند، اما هیچ ارتباط معنی‌داری بین اختلالات و سایر متغیرهای مورد بررسی وجود نداشت.»

بنابر نتایج این تحقیق که در دانشگاه پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تبریز بر روی ۵۰ دختر و ۵۰ پسر ۲ ساله انجام شده، «۱۱ درصد کودکان مورد بررسی از رشد مطلوب برخوردار بوده و ۸۹ درصد آنان از الگوی رشد مطلوب منحرف شده بودند.»

این محقق در پایان آورده است: «با توجه به آمار بالای اختلالات رشد در نمونه‌های مورد پژوهش و اینکه این اختلالات در دختران بیشتر از پسران می‌باشد، بنابراین، ارتقای سطح فرهنگی خانواده‌ها، آموزش کادر بهداشتی - درمانی و مادران در زمینه خطر رعایت نکردن نکات بهداشتی و تغذیه‌ای کودک، استفاده بجا و صحیح از غذاهای کمکی و لزوم تغذیه با شیر مادر و پیشگیری از بیماریهای عفونی و واگیردار و توجه مسوولین امر به اهمیت موضوع پایش در رشد کودکان ضروری است.

تحقیقات نشان می‌دهد: عفونت دستگاه ادراری یکی از بیماریهای شایع بویژه در کودکان و در جنس مؤنث است که شیوع آن در دختران سه برابر پسران است.

نتایج تحقیقات دکترمهرانگیز امیری و دکترعلی شبستانی منفرد از بخش پزشکی هسته‌ای بیمارستان شهیدبهشتی دانشگاه علوم پزشکی بابل که به ارزش تشخیصی اسکن رادیوایزوتوپ در بررسی ریفلاکس در عفونت‌های ادراری کودکان پرداختند، حاکی از آن است که اهمیت تشخیص و درمان به موقع و پیگیری مناسب کودکان مبتلا به عفونت از طریق اسکن رادیوایزوتوپ را با توجه به حساسیت بالا و دز تشعشعی کم، برای پیشگیری از عوارض زیانبار ریفلاکس مشخص می‌سازد.

در این مطالعه توصیفی قطعی که به منظور بررسی میزان فراوانی ریفلاکس و زیکیورترال در بیماران ۲۸ روزه تا ۱۴ ساله مراجعه کننده به مرکز پزشکی هسته‌ای بیماران شهیدبهشتی با تشخیص عفونت ادراری صورت گرفت، اسکن رادیوایزوتوپ برای همه بیماران انجام شد و نتایج به تفکیک سن، جنس و شدت بیماری مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، در طی این مطالعه از ۳۰ بیمار مراجعه کننده با عفونت ادراری، بعد از انجام مراحل مختلف جمع‌آوری و آنالیز اطلاعات، مشخص نمود که عفونت ادراری تمام دوره‌های سنی کودکان را درگیر می‌کند. همچنین درصد بالایی از این کودکان همزمان با

عفونت ادراری یا در طی پیشگیری بعد از عفونت ادراری دچار ریفلاکس و زیکیورتال به درجات مختلف بودند.

شایان ذکر است، با استناد این موضوع هرچه سن ابتلا به عفونت ادراری و ریفلاکس کمتر باشد احتمال بروز عوارض زیانبار آن بیشتر خواهد بود.

پژوهشگران یادآور شده‌اند: عفونت ادراری به رغم پیشرفت فزاینده‌ی طب کودکان، هنوز از بیماری‌های قابل بحث و بعضاً از مشکلات طب امروزی است. به دلیل آسیب‌پذیری دستگاه ادراری و کلیوی در این محدوده سنی، عوارض عفونت بسیار جدی بوده و در صورتی که درمان صحیح و پیشگیری مناسب صورت نگیرد، مشکلات فروانی به دنبال خواهد داشت.

از سوی دیگر علیرغم درمان‌های متفاوت و آنتی‌بیوتیک‌های متعددی که در درمان عفونت ادراری اطفال به کار برده می‌شوند، هنوز میزان شیوع عوارض این بیماری در اطفال بالاست.

در ادامه این تحقیقات آمده است: این بیماری در حد ۲۰ درصد مراجعات پزشکان متخصص اطفال را تشکیل می‌دهد و مسئول ۱۰ درصد افزایش فشار خون اطفال و نیز پیوند کلیه در کودکان است، از میان روش‌های تشخیصی علل عفونت ادراری، تکنیک سیتوگرافی رادیوایزوتوپیک در مقایسه با «با استفاده از اشعه X»، از نظر تابش اشعه به کودک ایمن‌تر بوده و همچنین در ارزیابی اطلاعات کمی که با تکنیک‌های رادیوگرافیک قابل دسترسی نیست، بسیار کم‌کننده است.

مقایسه میزان مطالعه درسی و غیردرسی دختران و پسران نشان داد که دختران در مطالعات درسی و غیردرسی بیش از پسران وقت صرف می‌کنند.

بگزارش سرویس پژوهش ایسنا، دکتر محمود بحرانی عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز با بررسی عوامل مؤثر بر میزان کتابخوانی و مطالعه آزاد دانش‌آموزان متوسطه استان فارس ضمن

تحقیق در این زمینه اظهار داشت: ۸ درصد کل اوقات فراغت دختران و ۶ درصد کل این اوقات پسران صرف مطالعه غیردرسی می‌شود.

بر اساس پژوهش عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز، میانگین اوقات فراغت دانش‌آموزان پس از ترک مدرسه تا زمان خواب هشت ساعت برآورده شده است که بیش از  $\frac{1}{3}$  آن فاقد برنامه‌ریزی می‌باشد.

بر اساس این تحقیق ۲۲/۸ درصد اوقات آزاد جامعه آماری که به صورت تصادفی گزینش شده است به انجام امور درسی طی می‌شود و ۱۷ درصد این زمان به تماشای تلویزیون تخصیص می‌یابد و تنها یک درصد از این زمان صرف مطالعه غیردرسی می‌شود.

پژوهنده در پایان این تحقیق تأکید می‌کند که مدرسه و معلمان می‌توانند در پژوهش عادت خواندن نقش مهمی را ایفا کنند. در حال حاضر اغلب مدارس اقدام به دایر کردن کتابخانه‌های کوچکی در محل آموزشگاه کرده‌اند اما صرف دسترسی به کتاب کافی نیست بلکه مهمتر از آن ایجاد رغبت و انگیزه در دانش‌آموزان است.

به عقیده‌ی پژوهنده، این کار از طریق برگزاری جلسات روخوانی و نقد کتاب، روزنامه‌ها و مجلات امکان‌پذیر است و می‌توان در قالب ساعت‌های پژوهشی با ارائه خلاصه‌ای از کتاب‌های جذاب و مطالعه مهم روزنامه‌ها و مجلات به ترویج این عادت پرداخت.



## منابع:

- (۱) زواره‌ای، فاطمه: بررسی علل خانوادگی و اجتماعی فرار دختران «۱۴-۲۰» ساله از منزل
- (۲) پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی «نصرت‌الله نوروزی» با راهنمایی دکتر محمود ساعتچی در دانشگاه علامه طباطبائی تدوین شده است
- (۳) گدازنده، زهرا: بحران و فرار «تعریف، علل و پیشنهادهایی برای پیشگیری و درمان»، مقاله، مرکز مداخله در بحرانهای اجتماعی شهیدنواب صفوی. ۱۳۸۰
- (۴) اقلیما، مصطفی: بررسی عوامل مؤثر در بازگشت مجدد زنان و دختران آسیب‌دیده اجتماعی به مراکز بازپروری سازمان بهزیستی، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی ۱۳۸۰
- (۵) رفیع‌پور: فرامرز: کندوکاوها و پنداشته‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دهم ۱۳۷۸
- (۶) توسلی، غلام‌عباس: نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات سخت، چاپ پنجم، بهار ۷۴
- (۷) دلاور، علی: مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: انتشارات رشد، چاپ سوم ۱۳۷۸
- (۸) پاکدل سلطانی، علی‌اصغر و پرویز شمس: ریشه‌های مفاهیم مدکاری اجتماعی در ادب فارسی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، چاپ اول ۱۳۷۴
- (۹) ارونسون، الیوت: روانشناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکرشکن، انتشارات رشد
- (۱۰) آلفیلیپ، دانیل و دیگران، درآمدی بر روانشناسی اجتماعی، مجموعه ضرورت‌های جامعه‌شناسی روانی، ترجمه درتضی کتبی، تهران نشرنی، چاپ اول ۱۳۷۹

۱۱) بولتن‌ها و مقالات سازمان بهزیستی، بررسی عوامل مؤثر در بازگشت مجدد دختران آسیب دیده اجتماعی «فراری» به مراکز بازپروری

۱۲) دکتر محمود بهرانی عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز، بررسی چگونگی گذراندن اوقات فراغت در بین دختران و پسران

۱۳) جعفری لنگرودی، محمد جعفر: «مبسوط در ترمینولوژی حقوق»، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸

۱۴) گاتون، استفانی، ژرژ لواسور و برنارد بلوک، «آیین دادرسی کیفری»، ترجمه حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه، ۱۳۷۹

۱۵) مجموعه نشست‌های قضایی، ناشر معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، قم، ۱۳۸۱

۱۶) احمدی، حبیب اله، نظریه های انحرافات اجتماعی، چاپ اول: شیراز، ۱۳۷۷

۱۷) حمیدی، فریده، تاثیر ساخت خانواده بر فرار دختران، فصلنامه پژوهش زنان دوره ۲، شماره ۳. سال ۱۳۸۳

۱۸) محمد خانی، شهرام، عوامل روانی اجتماعی مؤثر در فرار دختران از خانه، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵. سال ۱۳۸۶

۱۹) معتمدی، سیدهادی، درآمدی بر پدیده فرار دختران و زنان از خانه. مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی: تهران معاونت اجتماعی ناجا. ۱۳۸۲

۲۰) رسول زاده طباطبائی، کاظم و همکاران، بررسی مقایسه ای ویژگی های شخصیتی، شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری و غیر فراری. دوماهنامه علمی-پژوهشی دانشور رفتار دانشگاه شاهد، سال دوازدهم شماره ۱۰ سال ۱۳۸۴

۲۱) صمدی راد، انور، بررسی عوامل اجتماعی و خانوادگی موثر بر فرار دختران از خانه. خلاصه مقالات اولین همایش ملی آسیب های اجتماعی، تهران: ۱۳۸۱ ناشر دبیرخانه همایش

۲۲) قاسمی، رمضان، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی مازندران

۲۳) لرنی، منوچهر، آسیب شناسی امنیت، تهران: انتشارات پیام پویا. چاپ اول زمستان ۱۳۸۳

۲۴) هلاکوئی، فرهنگ، جامعه امروز، چاپ اول، تهران: مرداد ۱۳۵۶

۲۵) یاداشتهای اداره برآورد معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی استان تهران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور مرکز

اردبیل

عنوان تحقیق

# بررسی علل فرار دختران

برای تکمیل قسمتی از دروس دوره کارشناسی حقوق (کار تحقیقی ۱)  
استاد راهنما :

دکتر خوش طینت

نگارنده:

میثم عبدیان

سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱

تقدیم به حامیان همیشگی من در راه تحصیل علم

پدر و مادر عزیز و مهربانم

باسپاس از سه وجود مقدس:

آنان که ناتوان شدند تا مابه توانایی برسیم...

موهایشان سپید شد تا ما رو سفید شویم...

وعاشقانه سوختند تا گرما بخش وجود ما و روشنگر راهمان  
باشند...

پدرانمان

مادرانمان

استادانمان

# فهرست

عنوان	صفحه
چکیده	۱
مقدمه	۳
بیان مسئله	۵
تحقیق	۷
پیشینه تحقیق	۷
فرضیات تحقیق	۸
اهداف تحقیق	۹
روش تحقیق	۹
سازماندهی تحقیق	۹
فصل اول کلیات و مفاهیم تحقیق	۱۰
نقش والدین در خانواده	۱۲
تعرف تخصصی واژه فرار	۱۵
انواع رویکردها در خصوص علل فرار دختران از خانه	۱۶



۱۷	دیدگاه های جامع شناسی علل فرار دختران
۲۰	پیامدهای فرار
۲۱	فصل دوم فرار دختران از خانه
۲۳	فرار دختران از خانه
۲۵	نقش عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی در انحراف
۳۱	خشونت والدین و اثرات آن
۳۱	فساد و آلودگی والدین
۳۳	فصل سوم علل فرار
۳۴	چه کسانی از خانه فرار می کنند؟
۳۵	شرایط عمومی افراد فراری
۳۸	اقسام فرار
۳۹	علل فرار
۴۲	وجود ناپدری یا نامادر
۴۴	شکست تحصیلی و نگرانی از سرزنش یا تنبیه والدین
۴۵	سخت گیری و وجود شرایط تنبیه
۴۷	تمایل به دیدن نقاط دیدنی

۴۸	فصل چهارم : نحوه ارائه خدمات به دختران فراری
۴۹	نحوه ارائه خدمات در ایران به افرادی که از خانه فرار می کنند
۴۹	مرکز بازپروری زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی
۵۰	خانه سلامت
۵۲	کمیته امور آسیب دیدگان اجتماعی استان
۵۳	روشهای ترخیص
۵۶	بحث و نتیجه گیری تحقیق
۶۵	منابع تحقیق